

زمینه‌های رشد و تقویت اخلاق پاسداری از دیدگاه آیات و روایات

محمد علی مشایخی پور*

سید جعفر حسینی**

حسین سالمی***

دریافت مقاله: ۹۲/۶/۳

پذیرش نهایی: ۹۲/۹/۱۹

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی و تبیین زمینه‌های رشد و تقویت اخلاق پاسداری از دیدگاه آیات و روایات انجام شده است. جامعه هدف آن پاسداران اسلام و انقلاب بویژه کارکنان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هستند. هدف از آن شناساندن این زمینه‌ها و بسترسازی برای تقویت آنها است. روش تحقیق، کتابخانه‌ای است. با بررسی که در منابع اسلامی و آیات و روایات در این باره به عمل آمد، این نتیجه حاصل شد که زمینه‌هایی نظیر یاد خدا، توجه به شأن و جایگاه حقیقی انسان، نگاه امانت‌انگارانه به کار و مسئولیت، شناخت صحیح دنیا و آخرت، ولایت محوری، جهاد با نفس، تأمین مالی، ارتباط با شهیدان و درس آموزی از سیره و منش آنان، انس و ارتباط و اتصال قلبی با اهل بیت (علیهم السلام)، عملگرایی مدیران و مسئولان و... از جمله زمینه‌هایی است که باعث تقویت اخلاق پاسداری می‌شود. کلید واژه‌ها: دستاوردهای انقلاب اسلامی، حفاظت و صیانت، سپاه پاسداران، رسالت پاسداری، زمینه‌های اخلاق پاسداری.

* نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری دانشگاه قرآن و حدیث m.mashayekh68@yahoo.com

** دانش آموخته کارشناسی تربیت مربی مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی (ره)

karyak69@yahoo.com

*** دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرکز

Hosseinsalemi52@gmail.com

مقدمه

فراهم سازی محیط اخلاقی و تخلق انسان به آن در قلمرو باورها، کنشها، واکنشها، گرایشها، اخلاقی فکر کردن، اخلاقی عمل کردن، اخلاقی دوست داشتن و بغض ورزیدن و بالاخره تجلی اخلاق در همه جلوه‌های زندگی مادی و معنوی، غایت دین و فلسفه برانگیخته شدن پیامبران عظام (علیهم السلام) است تا آنجا که نبی مکرم اسلام حضرت محمد مصطفی (ص) می فرماید: «بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ: من برای به کمال رساندن کرامتهای اخلاقی برانگیخته شده‌ام. (مجلسی، بی تا، ج ۶۸: ۳۸۲).

تجربه تاریخی حیات زندگی بشر گویای این حقیقت است که بدون توجه به اخلاق و رعایت اصول و معیارهای آن دسترسی به سعادت حقیقی ممکن نخواهد بود؛ زیرا اگر بشر بتواند بدون پایبندی به یک دین آسمانی زندگی خود را سامان دهد، بدون تردید نخواهد توانست با نادیده گرفتن اصول اخلاقی و توجه به کرامتهای ذاتی انسان و لوازم و مقتضیات آن، زندگی پاک و سالمی برای خود و دیگران فراهم سازد. بر این اساس ضرورت توجه به اخلاق و تجلی آن در تمامی حوزه های زندگی، ضروری و بدیهی می نماید بویژه برای حوزه‌های کاربردی که تأثیرگذاری بیشتری بر زندگی انسان دارد و نقشی مهمتر و اساسی تر در جهتهای به زندگی او برعهده دارد، باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد.

سپاه پاسداران در ادامه راه و حرکت پیامبران الهی و ائمه اطهار (علیهم السلام) و در کنار سایر متقیان و مؤمنان و بویژه دانشمندان، که وظیفه ذاتی مرزبانی و سنگربانی از دین خدا را برعهده دارند و در این راه از هیچ کوششی مضایقه نخواهند کرد، وظیفه سازمانی - علاوه بر وظیفه ذاتی هر مسلمان - پاسداری از انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن را به عنوان تجلی گاه اسلام ناب و محصول تلاش همه زحمات و جانفشانیها برعهده گرفته است. طبیعتاً توجه به اخلاقیات پاسداری مورد تأکید دین در این مسئولیت مهم و سرنوشت ساز بیش از پیش باید مورد توجه قرار گیرد به اصطلاح اخلاقیات پاسداری را حوزه مسئولیتی خویش مد نظر قرار دهد و آنها را در وظیفه پاسداری به کار بندد که برعهده گرفته است. با وجود این در توجه به اخلاقیات پاسداری و تقویت و رشد آنها برخی عوامل و زمینه‌ها دخیل است که باعث ایجاد انگیزه شده و افزایش تمایل برای رعایت و اجرای آنها می‌شود و آیات و روایات نیز به آنها اشاره کرده‌اند. این نوشتار درصدد است

زمینه‌های مؤثر و تأثیرگذار را در تقویت و رشد اخلاق پاسداری از دیدگاه آیات و روایات مورد بررسی قرار دهد تا از این طریق ضمن شناساندن این موارد، بستر مناسبی برای توجه و فراهم سازی آنها ایجاد شود. براین اساس در ابتدا به بررسی معناشناسانه مفاهیم مورد نیاز پرداخته، و همین طور رابطه اخلاق و پاسداری، تشریح، و در نهایت به بررسی زمینه‌های رشد و تقویت اخلاق پاسداری پرداخته می‌شود.

معنا شناسی واژگان

۱ - اخلاق

اخلاق جمع «خُلُق» و «خُلُق» است که به معنای «سجیه، سرشت، طبیعت، عادت، خوی و...» به کار می‌رود (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۰: ۸۶؛ فیومی، ۱۳۷۵: ۸۸؛ فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۴: ۱۵۱). راغب در المفردات می‌گوید: «دو کلمه خُلُق و خُلُق در اصل، یکی است؛ اما خُلُق به هیئتها و شکلها و صورتهای ظاهری اختصاص دارد که با چشم دیده می‌شود ولی کلمه خُلُق به نیروها و سجایای باطنی اطلاق می‌شود که با چشم دل مشاهده می‌شود» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱: ۲۹۶). دانشمندان اخلاق این واژه را در معانی متعددی به کار برده‌اند. یکی از رایجترین این معانی، صفات یا ملکات نفسانی است که در نفس انسان رسوخ می‌کند و پایدار، و باعث می‌شود کارهای متناسب با آن صفات به طور خود جوش و بدون نیاز به تفکر و تأمل از انسان صادر شود (ابن مسکویه، ۱۳۷۱: ۳۶؛ نراقی، بی‌تا، ج ۱: ۵۵)؛ به عبارت دیگر همان طور که صاحبان صنعتها و حرفه‌ها به آسانی کار خود را انجام می‌دهند، صاحبان ملکات فاضله و رذیله هم به سهولت کار خوب یا بد را انجام می‌دهند. (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ج ۱۰: ۷۳). گاهی هم به اعمال و رفتاری که از این خُلُقیات نفسانی سرچشمه می‌گیرد، اخلاق یا رفتار اخلاقی گفته می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۲۴؛ مطهری، ۱۳۸۱، ج ۲: ۲۱۳-۱۷۵) و براساس همین تلقی از اخلاق است که امروزه شاخه‌ای از علم اخلاق، به «اخلاق کاربردی» نام گرفته است که به بررسی بایدها و نبایدها در حوزه‌های مختلف زندگی از جمله زیست، علم، اقتصاد، کار و... می‌پردازد. و آنچه در این مقاله تحت عنوان «اخلاق پاسداری» از آن یاد می‌شود در واقع به عنوان یکی از زیرموضوعات اخلاق کاربردی تلقی می‌شود که در آن آداب یا رفتار اخلاقی مطلوب اسلامی را درحوزه پاسداری از دین تبیین و

تشریح می‌کند.

۲ - پاسدار

واژه پاسدار از کلمه پاس با اضافه پسوند دار تشکیل شده است. کلمه پاس در لغت به معانی پاسبانی، مراقبت، رعایت احترام و حرمت و... آمده (دهخدا، ۱۳۳۶، ج ۷: ۴۸؛ عمید، ۱۳۶۰، ج ۱: ۴۹۹؛ معین، ۱۳۶۰، ج ۱: ۵۱۰) و با اضافه پسوند دار حالت فاعلی پیدا کرده؛ یعنی کسی که مراقب و نگهبان است و از چیزی یا کسی نگهداری و محافظت می‌کند؛ لیکن برای تعریف اصطلاحی آن ضرورت دارد این مهم با نگاه به مسئولیت و وظیفه و در آینه آیات و روایات اسلامی مورد بازتعریف قرار گیرد تا از این طریق بتوان به معنی درستی از آن دست یافت؛ زیرا با تنوع و گستردگی مسئولیتها و فعالیتها و نیز موقعیتهای گوناگون، تلقی خاص از آنها برای هر یک از آنها برای دیگری قابلیت صدق نخواهد داشت.

براین اساس با بررسی و جستجویی که در منابع اسلامی انجام گرفت، عنوان پاسدار و مراقب و محافظ با عباراتی نظیر حصون، مرابط و... برای دانشمندان، مؤمنان و متقیان و... به کار برده شده است؛ به عنوان مثال امام موسی کاظم علیه السلام در روایتی این گونه می‌فرماید: *إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ الْفُقَهَاءَ حُصُونُ الْإِسْلَامِ كَحِصْنِ سُورِ الْمَدِينَةِ لَهَا (صدوق، بی تا، ج ۲: ۴۶۲): مؤمنان فقیه دژهای اسلامند مانند باروی شهر که بر گرد آن است. این حدیث در واقع فقها را موظف و مأمور می‌کند که نگهبان باشند، و از عقاید و احکام و نظامات اسلام نگهبانی کنند. رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (ره) نیز در این باره می‌فرماید: اینکه فرموده اند فقها حصون اسلامند؛ یعنی مکلفند اسلام را حفظ کنند و زمینه‌ای را فراهم آورند که بتوانند حافظ اسلام باشند و این از اهم واجبات مطلق می‌باشد نه مشروط (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۶۷).*

همین طور امام صادق علیه السلام با تعبیری جدید از علمای دین به عنوان مرابطون یاد می‌کند و در این باره می‌فرماید: *عُلَمَاءُ شِيعَتِنَا مُرَابِطُونَ فِي الثَّغْرِ الَّذِي بَيْنَ إِبْلِيسَ وَعَفَارِيْتَهُ، يَمْنَعُونَهُمْ عَنِ الْخُرُوجِ عَلَى ضِعْفَاءِ شِيعَتِنَا، وَعَنْ أَنْ يَتَسَلَّطَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ وَشِيعَتُهُ (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱: ۱۷).* علمای شیعه ما، نگهبانان مرزی هستند که در آن سوی ابلیس و دیوهای او قرار دارند و جلوی یورش آنها به شیعیان ناتوان ما و تسلط یافتن ابلیس و پیروان او بر آنان را می‌گیرند.

با بررسی و نیز توجه به مسئولیت و وظیفه در تعریف اصطلاحی پاسدار می‌توان گفت که عنوان پاسدار در منابع اسلامی بر کسی اطلاق شده است که مسئولیت نگهبانی، حراست و سنگربانی از

دین خدا را برعهده دارد و این مهم برای سپاه و کارکنان آن که مسئولیت حفاظت و حراست از انقلاب اسلامی - به عنوان جلوه گاه و تجلی گاه اسلام ناب و حاصل مرارتها و سختیهای پیامبران، مؤمنان، دانشمندان و ... - نیز قابل تطبیق است، و می‌توان به این نتیجه دست یافت که کار این عزیزان در راستای کاری است که دانشمندان، مؤمنان و اتقیا و همه آنهايي که برای نشر و گسترش دین خدا انجام می‌دهند؛ پاسدار در اصطلاح به کسی اطلاق می‌شود که از انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن محافظت می‌کند و این وظیفه علاوه بر وظیفه ذاتی هر مسلمان به عنوان وظیفه سازمانی در مجموعه‌ای به نام سپاه بر دوش کارکنان آن نهاد گذاشته شده است که پاسدار نامیده می‌شوند. البته این به این معنی نیست که غیر این گروه و غیر از این سازمان کسی این کار را انجام نمی‌دهد، بلکه همه کسانی که در راه اعتلای ارزشهای اسلامی و گسترش آنها قدمی برمی‌دارند در واقع پاسدار و سنگربان دین خدا تلقی می‌شوند، اما مشخصاً با توجه به عنوان، محور بحث در مورد کارکنان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است.

نکته قابل توجهی که باید مدنظر قرار گیرد این است که بین وظیفه سازمانی سپاه و عنوان کارکنان آن تناسب معنایی معناداری وجود دارد و این دو لازم و ملزوم یکدیگر است؛ به دیگر سخن عنوان پاسدار با وظیفه و مأموریت سپاه کاملاً منطبق، و عنوان متناسب با وظیفه است؛ به گونه ای که اگر روزی این مأموریت از دوش سپاه برداشته، و مسئولیت دیگری به این نهاد مقدس واگذار شود، دیگر نمی‌توان این تناسب عنوان با وظیفه را بخوبی مشاهده کرد و چه بسا عنوان پاسدار فی الواقع با مسئولیت سازمانی جدید قرابتی نداشته باشد و فقط در ظاهر چنین عنوانی بر کارکنان این سازمان صدق کند و نیاز به تجدید نام کارکنان این سازمان نیز باشد.

۳ - اخلاق پاسداری

با رجوع به منابع اسلامی و مرجع، تعریفی از عنوان اخلاق پاسداری بیان نشده است؛ اما با دقت در تعاریف واژه‌های اخلاق و پاسداری و رجوع به منابع اسلامی می‌توان این گونه برداشت کرد که اخلاق پاسداری به مجموعه‌ای از بایدها و نبایدهایی گفته می‌شود که آموزه‌های اسلام در اجرای وظیفه و مسئولیتی که انسان برعهده می‌گیرد به انجام دادن یا دوری از آنها دستور داده است؛ به بیان دیگر رفتار فرد پاسدار در مسئولیت پاسداری از دین - به عنوان مسئولیت و وظیفه - آن گونه که مطابق با آموزه‌های قرآن و روایات ائمه دین علیهم‌السلام باشد، تحت عنوان اخلاق پاسداری قرار می‌گیرد؛ از جمله این آموزه‌ها می‌توان به معیارها و ویژگیهایی نظیر عمل مخلصانه، ولایت

محوری، ایثار و شهادت طلبی، بصیرت و ایمان، معنویت افزایی، مردم‌داری، مسئولیت‌پذیری، دنیاگریزی و آخرت‌گرایی، عمل مجاهدانه، نظم و انضباط، دشمن‌شناسی، محاسبه و مراقبه نفس (خودارزیایی)، تحرک و چالاکی و... اشاره کرد. اینها از جمله مواردی است که از آنها به عنوان معیارها و ویژگیهای اخلاق پاسداری یاد می‌شود و آیات و روایات نیز به آنها پرداخته، و این نوشتار هم درصدد است، عواملی را که زمینه رشد و تقویت این معیارها و ویژگیها را فراهم می‌سازد، مورد توجه قرار دهد و به تشریح و تبیین آنها بپردازد تا ضمن رفع این موارد، بستر مناسبتری برای تقویت اخلاق پاسداری فراهم شود ضمن اینکه برخی از این موارد با سایر مشاغل نیز مشترک است لیکن همان موارد نیز با توجه به جایگاه، نقش، مسئولیت و مأموریتی مورد توجه و بررسی قرار گرفته است که پاسداران برعهده دارند.

۴ - رابطه اخلاق و پاسداری

بدرستی که حفظ و صیانت از اسلام نیازمند اسلامی بودن و اسلامی زیستن است. متخلق شدن به اخلاق حسنه الهی و رعایت دستور دینی لازمه ضروری برای تبلیغ و گسترش آموزه‌های حیات بخش اسلام است؛ شخصی که در جایگاه پاسداری از انقلاب و اسلام قرار می‌گیرد و وظیفه نگهداری، صیانت و تبلیغ آن را برعهده می‌گیرد، باید بیشتر و بیشتر به این مهم توجه کند و به اخلاق اسلامی هم در گفتار و هم در کردار جامه عمل بپوشاند. حضرت امام خمینی (ره) در این باره می‌فرماید: «پاسداری از اسلام یک شغل بسیار شریف است و مسئولیتش هم زیاد است. باید حفظ کنیم این حدود و ثغور اسلامی را. فقط این نباشد که ما پاسدار اسلام هستیم... باید همان طوری که مدعی هستیم... باید خودمان مرزمان ابتدا همان مرز اسلام باشد؛ راهمان، همان راه مستقیم اسلام باشد تا این ادعای ما پیش خدا قبول بشود... کسی که خودش برخلاف اسلام عمل می‌کند نمی‌تواند بگوید من نگهبان هستم. یک کسی که خودش دزد است نمی‌تواند بگوید من نگهبان هستم؛ من پاسبان هستم... پاسدار خدای ناخواسته اگر برخلاف موازین اسلام باشد، پاسدار نیست» (امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۷: ۲۰۰).

پاسداری از اسلام و انقلاب زمانی تحقق عملی پیدا می‌کند که فرد پاسدار، دستور اسلام را سرلوحه فعالیت‌های خویش قرار دهد و خود تجلی‌گاه عینی و عملی آموزه‌های آن باشد و تنها در این صورت است که می‌تواند بیشترین نقش و تأثیر را در نگهبانی و گسترش انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن ایفا کند؛ زیرا بهترین، کوتاهترین و پربارترین راه برای تحقق پاسداری، تجلی

پاسداری در گفتار و کردار است. قرآن با تأکید بر ضرورت عملگرایی با لحن عتاب آلود خطاب به مبلغان بی عمل می‌فرماید: «اتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ (بقره/۴۴): آیا مردم را به نیکی فرمان می‌دهید و خود را فراموش می‌کنید؟»

بنابراین متخلق شدن به اخلاق اسلامی و رعایت آن در وظیفه پاسداری، بدیهی و ضروری است و هر کسی نمی‌تواند این وظیفه را برعهده بگیرد و این امر به شرایط و ضوابطی نیاز دارد که از عهده هرکسی بر نمی‌آید. توجه به بیانات حضرت امام خمینی (ره) در این باره نیز راهگشاست: «اسلام را امروز به دست من و شما گذاشته‌اند که این را حفظش کنیم؛ مسئولیتش به دست من و شماست. شما پاسدارها اگر پاسداری واقعی از اسلام می‌کنید، از مملکت اسلامی می‌خواهید بکنید، توجه کنید به اینکه خودتان یک قدم خلاف بر ندارید. اگر شمایی که الان پاسدار اسلامید از شما یک خلاف ببینند، می‌گویند اسلام این طوری است. باید شما وظایف پاسداری از اسلام، پاسداری از مملکت اسلام، شمایی که الان به این شغل شریف در آمده‌اید قدرش را بدانید... کاری بکنید که شکست نخورید، کاری بکنید که مکتبتان شکست نخورد، شما به وظایف انسانی و اسلامی خودتان رفتار کنید (امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۸: ۵۸).

بر این اساس، پاسدار باید به اخلاق اسلامی متخلق باشد تا بتواند آن گونه که شایسته است از اسلام و انقلاب پاسداری کند؛ باید روح خود را پرورش دهد و درجه تدین و تقوای خویش را بالا ببرد. مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در این باره به پاسداران می‌فرماید: «در پرتو شعاع تربیت و اداره معنوی نیروهای سپاه پاسداران بایستی روز به روز کمالات معنوی بیشتری پیدا کند و ذهنیت تقدس سپاه در میان مردم همچنان حفظ گردد... یکایک نیروهای سپاه در رده‌های مختلف هرچه می‌تواند درجه تدین، معرفت اسلامی و تقوای خود را بالا ببرند و در پرتو شعاع تربیت و اداره معنوی و با فراگیری هرچه بهتر قرآن، احادیث و مفاهیم اسلامی و توجه به عبادت عملی روز به روز به کمالات معنوی خود بیفزایند» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با مسئولان دفترهای نمایندگی ولی فقیه در سپاه، بهمن ۱۳۶۸).

آنچه سپاه پاسداران و نیروهای پاسدار آن را از سایر قوای نظامی جهان جدا می‌کند، همین برخورداری از روحیه ایمان و تعبد و تقوا است که هدفی الهی و آرمانی را دنبال می‌کنند. مقام معظم رهبری (مدظله العالی) با تأکید بر این نکته می‌فرماید: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، فرقی با دیگر ارتشها چیست؟ فرقی همین است که در شما، آن عامل تقوا و ورع و توجه به خدا و

اخلاص و عمل برای اهداف پیامبران که امروز در دنیا غریب مانده است وجود دارد. این، آن چیزی است که شما را امتیاز می‌دهد... هر کدام از آحاد فرماندهان سپاه، تربیت نفسانی را برای خودش یک وظیفه بداند. شما بنا را بر این بگذارید که خودتان را با تربیت دینی و ریاضت دینی، ریاضت بدهید و تربیت کنید» (سخنرانی در دیدار با فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و رؤسای دفترهای نمایندگی ولی فقیه به تاریخ، ۶/۲۹/۱۳۶۹).

ایشان رمز موفقیت پاسداران در سنگربانی از دین خدا را عمل به تکالیف شرعی می‌دانند و در این باره می‌فرمایند: ... شما که اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هستید، شما که فرماندهان و مسئولان و مؤثرترین در این نظام هستید، باید توجه کنید، آن چیزی که شما را از یک ارتش مجهز مدرن مجرب از همه جهت کامل، لیکن بی‌ایمان ممتاز می‌کند، ایمان و تعبد است؛ یعنی اعتقاد به غیب و تأثیر فعل و انفعالات غیبی که در اختیار من و شما نیست و راه رسیدن به آن و کلید رمزش، عبارت از تقواست؛ یعنی عمل کردن به تکلیف شرعی. این، تنها وسیله‌ای است که می‌تواند شما را از سایر نیروهای انقلابی و نظامی عالم ممتاز کند و آلا نیروی نظامی مجرب کارکشته زرننگ باهوش درس خوانده شجاع و حتی فداکار در دنیا کم نداریم (سخنرانی در دیدار با فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و رؤسای دفترهای نمایندگی ولی فقیه به تاریخ، ۶/۲۹/۱۳۶۹).

آری نام سپاه از همان ابتدا با عناصری چون تقوا، معنویت و اخلاق پیوند خورد و جدایی از این عناصر امکانپذیر نیست؛ زیرا تحقق پاسداری از اسلام و انقلاب جز در سایه اخلاق اسلامی و الهی امکانپذیر نیست؛ چرا که داشتن اخلاق اسلامی باعث می‌شود که شخص اسلامی ببیند؛ اسلامی بیندیشد و اسلامی عمل کند و این یعنی پاسداری از اسلام و انقلاب اسلامی.

زمینه‌های رشد و تقویت اخلاق پاسداری

۱ - یاد خدا (خداشناسی، خداباوری و خدا ناظری)

یکی از عواملی که باعث تقویت اخلاق پاسداری می‌شود، شناخت خداوند، ایمان و اطمینان و باور قلبی به اوست. سرآمد باورهای دینی و ریشه همه معنویات ایمان به خداست (مطهری، ۱۳۶۱: ۱۵۱). مداومت بر یاد خدا، خداشناسی، خدا ناظری و خدا ترسی تا آنجا اهمیت دارد که انسان را در صراط مستقیم بندگی به سمت تکامل معنوی پیش می‌برد و از هر گونه انحراف و آلودگی و سقوط

باز می‌دارد. یاد خدا همواره مؤمن را در اوج تعالی نگه می‌دارد و در سختیها آرامش و قوت قلب می‌بخشد (رعد/۲۸). خدا را یاد کردن، یاد کردن خدا را به دنبال دارد (بقره/۱۵۲) و این یادکردنی ویژه است؛ زیرا هیچ چیز از دایره علم و دید خداوند متعال بیرون و غایب نیست (یونس/۶۱). همان‌گونه که یاد خدا و خدامحوری آثار فراوان و پر برکتی دارد، غفلت از خدا نیز پیامدهای تلخ و ناگواری دارد (تقی زاده، ۱۳۸۷، ج ۲: ۲۰۱).

یاد خدا و خداشناسی و خداباوری، جان مؤمن را دستخوش دگرگونی و تحولی بنیادی می‌سازد؛ زیرا وقتی برای انسان مؤمن چنین باوری باشد، همواره سعی در جلب رضایت و خشنودی او دارد. هر مقدار این حضور پررنگتر باشد، کارهای انسان بیشتر رنگ و بوی الهی به خود می‌گیرد و ارزشمند تر می‌شود.

خداوند از نظر اسلام این گونه معرفی شده است: یگانه (توحید/۱)، زنده‌ای که هرگز نمی‌میرد (فرقان/۵۸)، قوی و شکست ناپذیر (هود/۱۱)، دارای قدرت نامحدود (بقره/۱۰۶)، بهترین روزی دهنده (مؤمنون/۷۲) و بلکه تنها روزی دهنده (ذاریات/۵۸)، با بندگانش رؤف و مهربان (آل عمران/۳۰)، نزدیکتر از هر کس و هر چیزی به انسان (ق/۱۶)، کسی که به نیازها و خواسته‌های بندگانش پاسخ سریع و مثبت می‌دهد و بندگانش را دوست دارد (آل عمران/۱۴۸). همه کارها به دست اوست، یاری و خذلان، سود و زیان، بخشش و حرمان، همه از سوی خداست، مؤثر حقیقی در جهان به شمار می‌رود و نیز کسی که باز گشت همه کارها به سوی اوست (بقره/۱۵۶).

توجه به این ویژگیهای خداوندی، باعث می‌شود که انسان فقط به او دل بستگی یابد و تکیه و اعتمادش نیز بر او باشد؛ زیرا غیر خدا، توان یاری کردن انسان را ندارد؛ دعای انسان را نمی‌شنود (فاطر/۱۴)؛ مالک هیچ ضرر و نفع (مائده/۷۶)، و مالک رزق و روزی انسان نیست (عنکبوت/۱۷)؛ نمی‌تواند انسان را در این اوضاع دشوار و گرفتاریهای زندگی یاری کند (انعام/۶۳).

از آنجا که انسان موحد و مؤمن سعادت واقعی را در خشنودی پروردگار خویش و عمل به دستورهای حیات بخش و ارزشهای برخاسته از آن می‌بیند با اختیار و رغبت از دنیا و مواهب زودگذر آن در می‌گذرد و برای تحقق اهداف مکتب از هیچ فداکاری دریغ نمی‌ورزد.

امام علی(ع) به عنوان قرآن ناطق و فردی آگاه و آشنا با آفریدگار هستی و صفات و ویژگیهای او، مدیران سیاسی، نظامی و اقتصادی خود را به یاد خدا، خداگرایی و خدا محوری در تمام شئون زندگی دعوت می‌کرد. ایشان در توصیه به مالک اشتر، استاندار مصر و فرمانده کل

نیروهای مسلح در حوزه فرماندهی، این گونه می فرمایند: «أَمْرَةٌ بِتَقْوَى اللَّهِ، وَإِبْتِئَارِ طَاعَتِهِ، وَأَتْبَاعِ مَا أَمَرَ بِهِ فِي كِتَابِهِ: مِنْ فَرَائِضِهِ وَسُنَنِهِ، الَّتِي لَا يَسْعُدُ أَحَدٌ إِلَّا بِاتِّبَاعِهَا، وَلَا يَشْقَى إِلَّا مَعَ جُحُودِهَا وَإِضَاعَتِهَا، وَأَنْ يَنْصُرَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ بِقَلْبِهِ وَيَدِهِ وَلِسَانِهِ؛ فَإِنَّهُ جَلَّ أَسْمُهُ، قَدْ تَكْفَّلَ بِنَصْرِ مَنْ نَصَرَهُ، وَإِعْزَازِ مَنْ أَعَزَّهُ» (نهج البلاغه، نامه ۵۳: ۴۲۶): او را به ترس از خدا فرمان می دهد و اینکه اطاعت خدا را بر دیگر کارها مقدم دارد و آنچه در کتاب خدا آمده از واجبات و سنتها را پیروی کند؛ دستورهایی که جز با پیروی آن رستگار نخواهد شد و جز با نشناختن و ضایع کردن آن جنایتکار نخواهد گردید. به او فرمان می دهد که خدا را با دل و دست و زبان یاری کند؛ زیرا خداوند پیروزی کسی را تضمین کند که او را یاری دهد و بزرگ دارد و آن کس را که او را بزرگ شمارد».

در این دیدگاه امام علی (علیه السلام) به بزرگترین و لایقترین کارگزار خویش سفارش می کند که اداره صحیح جامعه اسلامی را با تقواگرایی، عبادت، بندگی، خودسازی و توجه به امدادهای غیبی خداوند سازمان دهد و باور داشته باشد که در اداره جامعه و برخورد با مشکلات تنها نیست و انواع هدایتهای الهی او را یاری خواهند داد (دستی، ۱۳۸۰: ۱۰۰-۹۹).

در روایتی از امام صادق (علیه السلام) از اتقیا به عنوان حصون و پاسبان یاد شده است: **الْعُلَمَاءُ أَمْنَاءٌ وَ الْأَتْقِيَاءُ حُصُونٌ** (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۱: ۳۳): علما امانتدارانند و مردم متقی دژهای مذهبند و هم چنین در روایتی دیگر از امام علی (علیه السلام) از تقوا به عنوان سرآمد و همه اخلاقیها یاد شده است **(الْتَقَى رَيْسُ الْأَخْلَاقِ (نَهْجِ الْبَلَاغَةِ، حِكْمَتِ ۴۱۸: ۵۴۸):** تقوی و پرهیزگاری سرآمد همه اخلاق است.

با اندک تأملی در این روایات می توان به این حقیقت پی برد که بین تقوا - که به معنای خدا ترسی، پروا پیشگی و پرهیزکاری است - و پاسداری رابطه لازم و ملزومی وجود دارد؛ به این معنی که بدون تقوا و پرهیزکاری و یاد خدا و خدا ترسی و خدا ناظری نمی توان به آن گونه که باید و شاید در کسوت پاسدار دین خدا از اسلام و انقلاب حفاظت و حراست کرد؛ بر این اساس ضرورت دارد هرچه بیشتر و بیشتر به یاد خدا و پرهیزکاری و پروا پیشگی توجه کرد تا در نتیجه بیشتر و بیشتر بتوان در وظیفه صیانت و پاسداری از دین خدا موفق بود.

وقتی برای فرد پاسدار این اعتقاد باشد که کشته شدن در راه خدا افتخاری بزرگ و سعادت بی مانند است از شهادت استقبال می کند و مرگ را به آسانی در آغوش می کشد و چون خدا را می شناسد و می داند که او هرگونه سختی و رنجی را که در راه دینش متحمل شود، بدون پاداش

نمی‌گذارد، ناملایمات و سختیها را به جان می‌خورد و در شداوند استقامت می‌ورزد؛ هم‌چنین چون قدرت حقیقی و نامحدود را خدا می‌داند در کارهای سترگ که توانی چندین برابر می‌طلبد به او تکیه می‌کند و از او استعانت و استمداد می‌جوید.

او براین باور است که اگر دین خدا را یاری کند، خدا نیز او را از امدادها و نصرت‌های خویش بهره‌مند خواهد ساخت. وقتی کسی قدرت بیکران الهی و امدادهای بیشمار غیبی او را همراه خود احساس کند، از توان و قدرت روحی مضاعفی برخوردار خواهد شد. خمینی عزیز این رهبر و اسوه رزمندگان در این باره می‌فرماید: خدای تبارک و تعالی می‌فرماید کسانی که نصرت مرا بکنند، آنها را نصرت می‌کنم. می‌داند که ما و ملت ما نصرت دین او را می‌خواهیم و پیاده شدن احکام اسلام را می‌خواهیم... وقتی که همه ما و همه شما و همه ملت دنبال نصرت احکام اسلام و نصرت خدای تبارک و تعالی هستیم، خدای تبارک و تعالی نصرت می‌کند (امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱۵: ۲۷۰).

شما گمان نکنید که قدرت نظامی شما را نگه داشته است؛ قدرت ایمان شما را نگه داشته است (امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱۷: ۱۶۴).

مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید: به اعتقاد ما نیروی ایمان و روحیه و اطمینان به خداوند و لطف او تعیین کننده است نه سلاح‌های به ظاهر پیچیده و غیرقابل تصرف. آنچه پیچیده و غیرقابل تصرف است، نیروی ایمان انسانهاست که ما به آن مجهزیم (روزنامه جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۱/۷/۵: ۲)؛ ایشان در بیانی دیگر این گونه می‌فرماید: ما با اتکال به خدا و نیروی ایمان جوانان خود و فداکاری هزاران هزار انسانهای پاکدل توانسته و خواهیم توانست ضربات خود را بر دشمن وارد کنیم. او را کوبیدیم و باز هم خواهیم کوبید (روزنامه جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۲/۱/۲۸: ۱۲).

اگر چنین نگاه و نگرشی بر زندگی فرد پاسدار حاکم باشد، می‌تواند در امور خویش خوب بدرخشد و در دیگران نیز عشق و شور ایجاد کند. چنین فردی نه تنها محبوبترین بنده نزد خداوند و مَرْضی او واقع می‌شود، بلکه خداوند محبت او را نیز در دل دیگران و حتی فرمانده و همکار قرار می‌دهد و رابطه اش را با آنان اصلاح می‌کند (نهج البلاغه، حکمت ۸۹).

آری حرکت در مسیر قرب الی الله و خداشناسی و خداباوری و خدا حاضری یکی از زمینه‌های تقویت اخلاق پاسداری و به عبارتی سرمنشأ اخلاقهاست؛ زیرا وقتی خدا را شناخت و قدرت و

عظمت و جلال و جبروتش را شناخت و دانست که او مؤثر حقیقی در عالم است و بر رفتار و کردار او ناظر است و اوست که به هرکسی برای احیا و تداوم دینش تلاش می کند، پاداشی شایسته هم در دنیا و هم در آخرت نصیب او می کند، تلاش خواهد کرد وظیفه صیانت و پاسداری از دینش را که وی متکفل آن شده است آن گونه انجام دهد که در مسیر آموزه های الهی و مورد رضایت حضرت باری تعالی باشد.

۲ - توجه به شأن و جایگاه حقیقی انسان

اینکه انسان خود را چگونه ببیند و چگونه بیابد و چه جایگاهی برای خود در عالم هستی متصور باشد بشدت در اخلاق و کارکرد او تأثیر گذار است. اگر بدانند او به عنوان برترین مخلوق (نهج البلاغه، نامه ۳۱: ۳۲۰) و خلیفه خدا در روی زمین (بقره/۳۰)، برترین جایگاه را در عالم هستی دارد و خداوند کرامتی ذاتی به او ارزانی داشته است (اسراء/۷۰) به امور حقیر تمایل نمی ورزد و خود را برتر از آن می داند که به نادرستی تن سپارد و با کوتاهی در وظایف و مسئولیتها، دامن خود را به گناه و نادرستی آلوده سازد.

با اندک تدبیری در آیات قرآن و روایات ائمه اطهار (علیهم السلام) در می یابیم که خداوند برای بندگان خود شأن و جایگاهی والا قائل شده و به او کرامتی ذاتی اعطا کرده است؛ انسان به سبب این کرامت ذاتی به والایی میل دارد و این بهترین بستر شکوفایی آدمی است؛ چنانکه زمینی را که نیکو برای رشد نبات است، «ارض مکرمه للنبات» گویند (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۵: ۳۷۲)؛ پس زمین کرامت آدمی بهترین زمینه رشد و تعالی اوست؛ زیرا خدای متعال او را چنین آفریده است که به کرامت ذاتی خود میل به نزاهت از پستی مرتبه طبیعت و نیل به والایی مرتبه حقیقت خویش دارد (همان). امام علی (علیه السلام) فرموده اند: «فَمَنْ أَخَذَ بِالتَّقْوَى... وَ هَطَلَتْ عَلَيْهِ الْكِرَامَةُ بَعْدَ قُحُوطِهَا (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۸: ۳۱۲)؛ پس آن که به تقوا کوشد، باران پیوسته کرامت از پس بازایستادن بر او بیارد».

وقتی انسان دانست خداوند او را در والاترین و بهترین قوام آفریده (تین/۴-۶) و به او کرامتی ذاتی اعطا کرده است و آنچه به این قوام و به این کرامت تداوم می بخشد و آن را حفظ می کند و مانع از سقوط او به ورطه دنائت و پستی می گردد، تنها ایمان و عمل صالح است (عصر/۳)، وقتی دانست او به عنوان خلیفه خدا در زمین، نسبت به تمامی «آسماء» علم و آگاهی دارد و مسجود جمیع

فرشتگان و «ملائکه الله» است (بقره/ ۳۴-۳۰)، وقتی دانست خداوند همه مخلوقات را برای او خلق کرده (بقره/ ۲۹) و آسمانها و زمین را مسخر و در اختیار او قرار داده (نحل/ ۱۲)، و او حامل امانت الهی است و در مقابل این امانت مسئولیت دارد (احزاب/ ۷۳-۷۲)، وقتی دانست فطرتش، فطرتی خدایی است و آموزه‌های حیات بخش اسلام منطبق با فطرتش تنظیم شده است (روم/ ۳۰) با این همه امتیازات خاص و ویژه‌ای که خداوند به انسان داده در مقابل از او خواسته است که به اخلاق الهی متخلق گردد (مجلسی، بی تا، ج ۵۸: ۱۳۰)، دعوت خدا و رسولش را می‌پذیرد (انفال/ ۲۴) و دستور خدا، پیامبر و اولی الامر را از سوی او اطاعت می‌کند. (نساء/ ۵۹)؛ در کارهای خیر و نیک بر یکدیگر سبقت می‌گیرند (بقره/ ۱۴۸)؛ به عهد و پیمان و عقودی که بسته است عمل می‌کند (مائده/ ۱)؛ زیرا در مقابل آن مسئول است (اسراء/ ۳۴). آن گاه که دانست باید تقوای خدای پیشه کند و در واقع ارزش او در گرو آن است (مدثر/ ۳۸)، وقتی دانست با کرامت ترین انسانها در پیشگاه خداوند باتقواترین آنانند (حجرات/ ۱۳) و هر کس که تقوا پیشه کند، رستگاری و سعادت خواهد یافت (شمس/ ۹)؛ با این اوصاف اگر انسان به این مهم توجه کند و به اموری نظیر طاعت خداوند (آمدی، ۱۳۶۶، ج ۳۵۰۲: ۱۸۴)، تقوا گرایی (مجلسی، بی تا، ج ۶۷: ۲۸۸)، راستگویی (آمدی، ۱۳۶۶، ج ۵۲۸۷: ۲۵۲)، وفای به عهد (همان) و... را که با عنوان عوامل نگهدارنده و رشد دهنده این کرامت یاد شده است، اهتمام ورزد، می‌توان امیدوار بود که فرد به وظایف و مسئولیتهای خود عمل، و تلاش می‌کند و آن گونه رفتار می‌کند که رضایت خداوند را در پی دارد و سعادت دنیا و آخرت او تضمین می‌شود. امام علی (علیه السلام) در این باره می‌فرماید: مَنْ كَرُمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ هَانَتْ عَلَيْهِ شَهْوَتُهُ (نهج البلاغه، حکمت ۴۴۹: ۵۵۵): هر کس برای خودش ارزشی قائل شود، دنبال شهوتها و هواهای نفسانی نمی‌رود.

انسان کریم قدر خود را می‌شناسد و می‌داند که تنها در سایه اطاعت و پیروی از دستور الهی و اجرای وظایف و مسئولیتها به آن گونه که رضایت الهی را در پی داشته باشد، می‌تواند ارزش و منزلت خود را نگه دارد و به سعادت دست یابد؛ بنابراین حق خداوند را کوچک نمی‌شمارد؛ بر نفس خویش مسلط است و نسبت به خویشتن از آنچه حرام است، بخل می‌ورزد. او هنگامی که عهدی می‌بندد، خود را به آن ملزم می‌داند.

دنیا در انسان کرامت باور کوچک است و تلاش می‌کند چهره خود را از خواری آتش جهنم

نگه دارد؛ زیرا می‌داند بهای وجودش جز بهشت نیست. امام علی (علیه السلام) در این باره می‌فرماید: «أَلَا حُرٌّ يَدْعُ هَذِهِ اللَّمَاطَةَ لِأَهْلِهَا إِنَّهُ لَيْسَ لِنَفْسِكُمْ ثَمَنٌ إِلَّا الْجَنَّةُ فَلَا تَبِيعُوهَا إِلَّا بِهَا (نهج البلاغه، حکمت ۴۵۶: ۵۵۶): آیا آزاد مردی نیست که این لقمه جویده حرام دنیا را به اهلش واگذارد؛ همانا بهایی برای جان شما جز بهشت نیست؛ پس به کمتر از آن نفروشید.

اگر انسان خود را با کرامت نبیند و به ارزشهای خود آگاه نباشد از جایگاه شایسته خود تنزل می‌کند و به دلیل این تنزل به کارهایی تن می‌دهد که در شأن او نیست؛ به خلافکاری، دغلبازی، گنهکاری و... دست می‌آلاید. از انسان باکرامت، اعمال براساس کرامتهای اخلاقی صادر می‌شود و این امر مؤثرترین وسیله در اداره کارها است؛ پس کرامت انسان در اطاعت خداست. باید به انسان آموخت که جز در برابر حق تعالی سر خم نکند و جز او را بندگی ننماید تا گوهر کرامتش آسیب نبیند و به رشد و کمال خود برسد. انسان با اطاعت خدای کریم به اعتلای روحی می‌رسد و از پستی و فرومایگی پاک می‌شود. کرامت حقیقی در اطاعت و بندگی حق تعالی است و آن مزیتی که مزیت حقیقی است و آدمی را بالا می‌برد و به سعادت حقیقی او که همان زندگی پاک و ابدی در جوار رحمت پروردگار است می‌رساند، پروا داشتن از خدا، پاس داشتن حرمت‌های الهی و تقوا پیشه کردن است.

وقتی همه اینها را دانست و دانست که با گناه و نافرمانی خداوند با کوتاهی در وظایف، با عهدشکنی، با کم کاری و... به جایگاه و شأن کریمانه ذاتی خود لطمه می‌زند و آن را خدشه دار می‌کند و به قعر چاه پستی و دنائت سوق می‌دهد، چنین فردی اگر این واقعیات را بداند و عاقل باشد، قطعاً تلاش خواهد کرد وظایف خویش را به نحو شایسته و بایسته و به آن گونه که رضایت خداوند را در پی داشته باشد و ساعات دنیا و آخرت را تضمین کند، انجام دهد. حال وظیفه و مسئولیت او هر چه باشد.

بنابراین توجه به جایگاه و شأن حقیقی انسان، ویژگی‌های ذاتی، عوامل تأمین کننده سعادت یا شقاوت او و... می‌تواند به عنوان یکی از زمینه‌های تأثیرگذار در تقویت گرایش به اخلاقیات حاکم بر وظیفه پاسداری و صیانت از دین - به عنوان کار و مسئولیت - مورد توجه قرار گیرد و او را نسبت به رعایت اخلاقیات و رفتارهای اخلاقی در پاسداری ترغیب و تشویق کند.

۳ - نگاه امانت انگارانه به کار و مسئولیت

کار پاسداری از حریم دین، مسئولیتی است که خداوند متعال توفیق آن را به پاسداران انقلاب

ارزانی داشته است. اما نوع نگاه فرد پاسدار به وظیفه و مسئولیتی که به او واگذار شده است در چگونگی اجرای آن نقشی مهم دارد؛ وقتی او کار و مسئولیتی را که برعهده گرفته است، امانت ببیند و آن را وسیله عزتمندی و سرمایه شکوفایی خویش بداند از پاسداری احساس رضایت و خشنودی می‌کند و همین باعث می‌شود، مسئولیت و وظیفه خود را بدرستی انجام دهد. در مقابل اگر وی تلقی لقمه انگارانه‌ای نسبت به مسئولیتی که برعهده گرفته است داشته باشد چه بسا زمینه رفتارهای اخلاقی در وی بخشکد و زمینه دغلبازی و خیانت‌ورزی در او فراهم آید و به تبع آن آثار زیانباری به بار آید.

امام علی (علیه السلام) با بیان اینکه کار و مسئولیت امانت است به تصحیح بینش کارگزاران خود می‌پردازد و در نامه ای به اشعث بن قیس استاندار آذربایجان این نکته را یادآور شده است: «إِنَّ عَمَلَكَ لَيْسَ لَكَ بِطُعْمَةٍ وَ لَكِنَّهُ فِي عُنُقِكَ أَمَانَةٌ (نهج البلاغه، نامه ۵: ۳۶۶)؛ همانا پست فرمانداری برای تو وسیله آب و نان نبوده، بلکه امانتی در گردن تو است».

حضرت در این نامه، توجه اشعث را به این نکته جلب می‌کند که کارگزاری و حکومت به عنوان امانتی برعهده اوست و در واقع حضرت می‌کوشد در کارگزار خود این نگاه را تقویت کند که مسئولیتی که به او سپرده شده، امانتی الهی است که می‌بایست در آن پاک دستی کند و با کوتاهی و سوء استفاده آن را از بین نبرد.

بنابراین وقتی نگاهی امانت انگارانه به کار و مسئولیت باشد، فرد تمام تلاش خود را می‌کند تا امانتداری کند و دست تعدی و خیانت به آن نگشاید. تقویت چنین نگرشی در گرایش انسان به برخورد اخلاق‌گرایانه با آن نقشی مهم خواهد داشت.

برعکس کسی که از امانت انگاری بی بهره است، دغدغه حفظ اموال عمومی را ندارد و دل مشغول استفاده بهینه از امکانات و اختیاراتش نیست. نبودن جهان بینی امانت انگارانه، رفتار را نه تنها در پیوند با دیگران، بلکه رفتار فرد را در ارتباط با خود نیز مخدوش می‌سازد (فرامرزی قراملکی، ۱۳۸۶: ۳۲).

بنابراین نوع نگاه فرد پاسدار به وظیفه و مسئولیت پاسداری، نقشی مهم و اساسی در کیفیت و چگونگی آن دارد؛ به گونه ای که هرچه نگاه امانت پنداری آن تقویت شود، التزام فرد به رعایت اخلاق کاری بیشتر خواهد گشت و برعکس نگرش طعمه انگارانه به آن، فرد را به سوی حداکثر سوء استفاده و بهره برداری شخصی از آن سوق خواهد داد.

۴ - جهاد با نفس (خودسازی)

از دیگر مواردی که می‌تواند موجب گرایش اخلاقی و الهی در فرد پاسدار و جهتگیری او به سمت رفتار و اعمال نیکو شود، خودسازی و تهذیب و تربیت نفس است. شاید اگر تنها و تنها در همین جمله، بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (ره) که می‌فرمایند: «از پاسداری، پاسداری کنید» تأمل شود. برای پاسدارن حریم ولایت کافی باشد که محاسبه و مراقبه نفس و جهاد با آن - که در زبان روایات از آن به عنوان جهاد اکبر یاد شده -، ضروری و بدیهی است تا با اجرای آن بتوانند زمینه گرایشهای اخلاقی را در خویش فراهم سازند.

ایشان در کلامی دیگر می‌فرمایند: شما آقایان که الان پاسدار انقلاب هستید یعنی انقلاب اسلامی، همان طوری که از انقلاب پاسداری می‌کنید، تکلیف بالاتر این است که از اسلام پاسداری بکنید و آن به این است که از خودتان پاسداری کنید. از هوای نفسانی خودتان، از شهوات خودتان، از میلهایی که میلهایی است که در هر انسان هست و میل شیطانی است از اینها پاسداری بکنید (امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۸: ۵۸).

توضیح اینکه انسان از نظر قرآن، موجودی دو بُعدی است؛ یعنی ملکی و ملکوتی، خاکی و آسمانی، مادی و معنوی، دارای روح رحمانی و نفس شهوانی و مجمع اضداد نیک و بد است (سجده/ ۹-۷)؛ به بیان دیگر نفس آدمی نیز دارای گرایش و کارکردی دوگانه است: تقوا و فجور (شمس/ ۷)، اماره و لوازمه (یوسف/ ۵۳؛ قیامت/ ۲) و انسان با آزادی که در انتخاب هر کدام از این دو مسیر دارد، سعادت یا شقاوت خویش را رقم خواهد زد (دهر/ ۳؛ بقره/ ۲۵۶؛ بلد/ ۸ و ۱۰).

بنابراین در طول حیات آدمی این دو بُعد همواره در درون انسان در حال جنگ و نزاع است؛ این جنگ، شبانه‌روزی و همیشگی است و توقف روزانه یا حتی ساعتی هم ندارد. در این جنگ، گاهی بُعد معنوی و روحانی بر بُعد مادی پیروز می‌شود و گاهی نیز بعد جسمی و مادی بر بُعد معنوی غلبه می‌یابد. پیامبر اکرم «صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ» جنگ بین بُعد معنوی و بُعد مادی انسان را «جهاد اکبر» نام نهاده‌اند. در جنگهای صدر اسلام وقتی جوانان از جبهه بر می‌گشتند، پیامبر به آنها می‌فرمودند: مَرَّحَبًا بِكُمْ قَضَوُا الْجِهَادَ الْأَصْغَرَ وَبَقِيَ الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ قَالَ الْجِهَادُ النَّفْسِ (صدوق، ۱۴۰۰: ۴۶۷): آفرین بر شما که رفتید به جبهه و پیروز برگشتید، اما مهمتر از این جنگ، جنگ درون شما است که «جهاد اکبر» نام دارد. آن جوانان گفتند یا رسول‌الله، جهاد اکبر چیست؟ آن حضرت فرمودند «جهاد با نفس».

این جهاد بمراتب مهمتر و سنگین‌تر از جنگیدن با پهلوانان توانا و افراد نیرومند است. پیامبر در حدیثی دیگر این‌گونه می‌فرماید: «أَنَّ الشَّدِيدَ لَيْسَ مَنْ غَلَبَ النَّاسَ وَ لَكِنَّ الشَّدِيدَ مَنْ غَلَبَ عَلَى نَفْسِهِ (ورام، بی‌تا، ج ۲: ۱۰): انسان قوی و نیرومند آن‌کس نیست که بر مردم غلبه کند، بلکه قوی و توانا کسی است که بر نفس خود پیروز گردد.

بنابراین اولیای گرامی اسلام درباره خطر هوا پرستی و پیروی از هوای نفس از ابعاد مختلف آن سخن گفته و پیروان خود را از این عمل ظالم پرور و ضد انسانی برحذر داشته‌اند (حیدری نراقی، ۱۳۹۰: ۳۹)؛ زیرا نفس سرکش آدمی، طالب آزادی بی‌قید و شرط است می‌خواهد در راه ارضای غرایز و اقتناع تمایلات هواپرستانه خود با موانعی مواجه نشود و در مسیر تمنیات خویش طبق خواسته‌ای که دارد پیشروی کند. (مجلسی، بی‌تا: ج ۷۵، ۳۶۴؛ کلینی، ۱۳۶۲، ج ۲: ۳۳۵؛ محدث نوری، ۱۴۰۸، ج ۲: ۳۴۵). امام علی (علیه السلام) در تشریح این موضوع چنین می‌فرماید: «النَّفْسُ مَجْبُولَةٌ عَلَى سُوءِ الْأَدَبِ وَالْعَبْدُ مَأْمُورٌ بِمُلَازِمَةِ حُسْنِ الْأَدَبِ وَالنَّفْسُ تَجْرِي فِي مَيْدَانِ الْمُخَالَفَةِ وَالْعَبْدُ يَجْهَدُ بَرَدِّهَا عَنْ سُوءِ الْمُطَالَبَةِ فَمَتَى أَطْلَقَ عِنَانَهَا فَهُوَ شَرِيكٌ فِي فَسَادِهَا وَمَنْ أَعَانَ نَفْسَهُ فِي هَوَى نَفْسِهِ فَقَدْ أَشْرَكَ نَفْسَهُ فِي قَتْلِ نَفْسِهِ (طبرسی، ۱۳۸۵: ۲۴۷): نفس همیشه می‌خواهد کار بد بکند و انسان مأمور است که کار خوب انجام دهد. نفس می‌خواهد مخالفت کند. بنده باید بکوشد که کار بد نکند. هر کس جلوی نفس را واگذارد در فساد او شریک است و هر کس دنبال خواهشهای نفس برود، خود در خون خویش شریک است.

در روایتی دیگر از امام علی (علیه السلام) پیروی از هوای نفس، سرچشمه همه خطاها و گمراهیها به شمار آمده است: «نَفْسُكَ أَقْرَبُ أَعْدَائِكَ إِلَيْكَ (آمدی، ۱۳۶۶، ج ۴۶۸۴: ۲۳۴): نفس تو نزدیکترین دشمنان توست به سوی تو.

امام صادق (علیه السلام) نیز از نفس به عنوان وحشتناکترین و تاریکترین حجاب میان انسان و خدا نام برده‌اند: «لَا حِجَابَ أَوْحَشُ وَأَظْلَمُ بَيْنَ الْعَبْدِ وَ بَيْنَ اللَّهِ تَعَالَى مِنَ النَّفْسِ وَ الْهَوَى (مجلسی، بی‌تا: ج ۶۷: ۶۹): حجابی تاریکتر و ترس آور بین بنده و خدا از پیروی هوای نفس نیست.

با این اوصافی که از نفس شد و خطرهایی که از سوی او متوجه انسان است، مبارزه و مجاهده با آن مرارتها و سختیهای خاص خود را دارد و مراقبتهای بیشتری را می‌طلبد که با توجهات مختلف، راه برای افزون طلبی و راحت جویی و خودخواهیهای نفس هموار نشود و با خداپرستی و

پیروی از دستورها و اوامر او - که نقطه مقابل هواپرستی و پیروی از تمایلات نفسانی است - راه برای رشد و تعالی روز افزون او فراهم می شود. امام علی (علیه السلام) در یکی از خطبه های خود، راه مبارزه با نفس و خودسازی را این طور ترسیم می کنند: «خدا رحمت کند کسی را که چون سخن حکیمانه بشنود، خوب فرا گیرد؛ چون هدایت شود بپذیرد و دست به دامن هدایت کننده زند و نجات یابد؛ مراقب خویش در برابر پروردگار باشد؛ از گناه خود بترسد؛ خالصانه گام بردارد؛ عمل نیکو انجام دهد؛ ذخیره ای برای آخرت فراهم نماید و از گناه پرهیزد؛ همواره اغراض دنیا را از سر بیرون کند و درجات آخرت به دست آورد؛ با خواسته های دل مبارزه کند؛ آرزوهای دروغین را طرد و استقامت را مرکب نجات خود قرار دهد... پیش از آنکه مرگ او فرا رسد خود را آماده سازد و از اعمال نیکو توشه آخرت بگیرد» (نهج البلاغه، خطبه ۷۶: ۸۹).

بر این اساس برای تقویت گرایشهای اخلاقی در انسان باید با هواپرستی و تمایلات نفسانی مبارزه کرد و به آنها اجازه ظهور و بروز نداد و این مهم در مسئولیتهایی که بدقت و ظرافت بیشتری نیاز دارد، اهمیت مهمتر و بیشتری دارد؛ زیرا اگر به چنین چیزی توجه نشود خطرها و آسیبهایی که از قبل توجه به امیال نفسانی متوجه انسان می گردد، بسی بیشتر و بیشتر خواهد بود و چه بسا قابل جبران نباشد.

سپاه پاسداران و کارکنان آن به دلیل جایگاه حساس و مسئولیت خطیر و ویژه ای که برعهده گرفته اند، می طلبد عناصر آن در کنترل نفس و مراقبتهای نفسانی توجه بیشتری مبذول دارند. مقام معظم رهبری با آگاهی از این مهم این چنین می فرمایند: «سپاه مجموعه عزیز الوجودی است؛ لذاست که من نگرانم نگرانی من هم از چیزی که شناخته نشده باشد نیست؛ از همان چیزی من نگرانم؛ که از آن بر خودم هم نگرانم؛ از آن بر مجموعه انقلاب یعنی کشور ایران هم نگرانم، من نگران از دنیا طلبی هستم. خودم هم پناه می برم به خدا؛ برای شما هم پناه می برم به خدا» (بیانات در دیدار با فرماندهان سپاه پاسداران، ۱۳/۳/۱۳۷۶).

رهبر معظم انقلاب اسلامی علاوه بر جنبه فردی، به زمینه دیگری از جهاد با نفس در محدوده اجتماعی می پردازند و آن را دارای اهمیت زیادی می دانند: «جهاد اکبر یعنی جهاد با نفس. جهاد با نفس را فقط در یک محدوده شخصی نباید محصور کرد. البته مبارزه با شهوت و لذت طلبی و راحت طلبی و افزون طلبی و اخلاق ناشایسته در وجود آدمی، مبارزه با نفس است و مهم هم هست؛ یعنی آدمی با آن شیطان درونی خود باید دائم مبارزه کند و او را مهار بزند تا نتواند انسان را به

کارهای زشت و دارد» (بیانات در دیدار با اقشار مختلف جامعه، ۱/۱/۱۳۷۰). بنابراین محافظت از خود و مبارزه با خواسته‌های نفسانی، ضرورتی امکان‌ناپذیر است و با صیقل دادن نفس با اخلاقیات و دادن رنگ و بوی خدایی به اعمال و افکار، می‌توان کم‌کم زمینه تعالی فردی و سازمانی را فراهم ساخت. وقتی چنین رویکردی مد نظر قرار گیرد و به روشی برای فرد پاسدار و هر انسان مؤمنی تبدیل شود، کم‌کم اخلاق اسلامی در انسان رشد می‌کند و به کمال می‌رسد و آنجاست که با اجتماع چنین انسانهایی مدینه فاضله تشکیل می‌شود. حال اگر نیروهای درون سازمان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به اخلاق اسلامی متخلق باشند، خواهیم دید که این سازمان به تمامی وظایفی که بر عهده او گذاشت شده است به نحو شایسته و بایسته عمل خواهد کرد. بنابراین ضرورت دارد جهاد با نفس و مبارزه با هواهای نفسانی، بیشتر و بیشتر مورد توجه قرار گیرد تا از این طریق زمینه مناسبتری برای بروز و ظهور رفتارهای اخلاقی فراهم شود.

۵ - استمرار توجه به معنویت و معنویت‌افزایی

همان‌طور که جسم انسان نیازمند تغذیه است، روح آدمی نیز نیازمند تغذیه است. امور عبادی، اخلاقی و معنوی نیاز اصلی و تغذیه روح انسان مؤمن است که در تمام طول عمر به آن نیازمند است و استمرار معنویات در پرتو نظم و برنامه‌ریزی شبانه‌روزی صورت می‌گیرد. بدیهی است برخی فعالیت‌های روزانه و مأموریت‌های سازمانی و ضرورت‌های زندگی اجتماعی غفلتها و کدورت‌هایی را در صحنه قلب انسان ایجاد می‌کند. از این رو ضروری است پاسداران حریم ولایت برای پیشگیری از اختلال روحی و معنوی خدمت‌رسانی و خلأ نورانیت دل و رفع تیرگی‌های قلب، برنامه‌ریزی مشخصی را برای اجرای برنامه‌های عبادی و معنوی خود طراحی کنند و خود را به رعایت آن مقید بدانند. این برنامه‌های معنویت‌افزا، زمینه مناسبی برای تقویت اخلاق پاسداری فراهم می‌سازد:

۱ - اهتمام و توجه به نماز: نماز مهمترین و برترین وسیله یاد خداست (طه/۲۰). بنده مؤمن با نماز از عالم خاکی فاصله می‌گیرد و بر دروازه ملکوت پا می‌گذارد؛ زشتیها و پلیدیها را به کناری می‌نهد و زیباییها و پاکیها را بر می‌گزیند. نماز یاد خداست و یاد خدا مایه آرامش دلهاست؛ از این رو نگرانی و اضطراب را می‌زداید و دلهره و ترس را از خانه دل فراری می‌دهد؛ به همین دلیل خداوند متعال از مؤمنان می‌خواهد که سختیها و ناملایمات را در کنار استقامت و پایداری با استعانت جستن از نماز بر خود هموار سازند (بقره/۱۵۳).

رزمندگان اسلام در طول دفاع مقدس، فرمان یاری خواستن و کمک گرفتن از نماز را با شایستگی می‌پذیرفتند. آنان خالصانه‌ترین و خاشعانه‌ترین نمازها را بر گستره زمین خاکی و در سنگرها و پشت خاکریزها اقامه می‌کردند. آنان به پیروی از مولا و مقتدایشان امام حسین (علیه السلام) حتی در صحنه‌های حساس نبرد و آتش سنگین از نماز غافل نمی‌شدند و همین توجه آنان به نماز و معنویت زمینه‌ساز بسیاری از موفقیت‌های آنان بود. آنان علاوه بر نمازهای واجب به نوافل و مستحبات و نیز اقامه نماز به صورت جماعت نیز اهتمام ویژه‌ای داشتند. رزمندگان القتی ویژه با نماز شب داشتند و تاریکی شب را به روشنی صبح پیوند می‌زدند. حضرت امام خمینی (ره) درباره این ویژگی رزمندگان این‌گونه می‌فرماید: من گاهی وقتها اینها را، اجتماعاتشان را، تعهدشان را می‌بینم برای خودم حقارت قائل می‌شوم (امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱۵: ۱۹).

آنچه رزمندگان در نماز شب و راز و نیاز شبانه می‌یافتند در رزم مقدسشان به کار می‌آمد. رزمندگان از آن رو شیران روز بودند و با صلابت و شجاعت با دشمن برخورد می‌کردند که زاهدان شب بودند؛ به نماز اهمیت می‌دادند؛ به ارتباط با خدا اهمیت می‌دادند. بنابراین برای موفقیت در حفظ ارثیه شهیدان باید مانند آنها برخورد کرد و به نماز اهمیت داد؛ به نماز جماعت اهمیت داد؛ به نوافل و مستحبات اهمیت داد؛ زیرا همین ارتباطات است که باعث رشد و شکوفایی و تعالی انسان می‌گردد و زمینه موفقیت انسان را در وظایف به دوش گرفته فراهم می‌سازد. رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) در تبیین نقش نماز در رشد و تعالی معنوی انسان و تأثیر آن بر رفتار و کردار آدمی این‌گونه می‌فرماید: نماز برترین چیزی است که می‌تواند همه افراد جامعه مسلمان را به تهذیب اخلاقی و تعالی روحی و معنوی برساند. سه خصوصیت عمده در نماز هست که نقش برتر آن را در تهذیب نفس و پرورش روانی انسانها پدید می‌آورد: نخست آنکه نماز با شکلی که در اسلام برای آن معین گشته یعنی حرکات و اذکار مخصوص به طور طبیعی نمازگزار را به دوری از گناه و آلودگی فرا می‌خواند: «ان الصلوه تنهی عن الفحشاء و المنکر». این فراخوانی پیوسته، توانایی آن را دارد که هر کس را از منجلاها رها سازد و عروج بخشد. دوم آنکه در او روح پرستش و خضوع در برابر حضرت باری تعالی را که محبوب حقیقی و فطری هر انسان است، زنده می‌کند و غبار فراموشی از این حقیقت درخشنده را که در ژرفای فطرت او نهاده شده است، می‌سرد. سوم آنکه به جان و دل نمازگزار، آن آرامش و اطمینانی را که شرط اصلی موفقیت در همه عرصه‌های زندگی است، هدیه می‌کند و تزلزل و اضطراب را که مانع بزرگی در راه اقدام

مُجدانه برای پرورش اخلاقی است از او دور می‌سازد (مقام معظم رهبری، پیام به پنجمین اجلاس سراسری نماز، ۱۴/۶/۷۴).

بنابراین نماز به دلیل آثار و بهره‌های ارزنده‌ای که برای انسان به بار می‌آورد و موجبات رشد و تعالی معنوی و سازمانی را فراهم می‌سازد، ضرورت دارد مورد توجه قرار گیرد و نسبت به آن سهل‌انگاری و بی‌توجهی صورت نگیرد و این برای پاسداری که وظیفه مهم و حساس حفاظت از دین خدا را برعهده گرفته‌اند، ضرورتی دوچندان دارد.

۳- انس با قرآن: قرآن کریم به عنوان کتاب هدایت‌گر آسمانی، نسخه منحصر به فردی است که می‌تواند داروی التیام بخش و شفادهنده امراض گوناگون از جمله اضطراب، نگرانی و ناامنیهای روحی و روانی انسانها را با کمترین هزینه در دسترس آنان قرار دهد. دقت و تأمل در آیات قرآن کریم و آموزه‌های بی‌بدیل آن که شامل معارف والای الهی، زیباترین و شایسته‌ترین گواه مطلب است. امام علی (علیه السلام) در این باره می‌فرماید: وَ تَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ أَحْسَنُ الْحَدِيثِ وَ تَفَقَّهُوا فِيهِ فَإِنَّهُ رَيْحُ الْقُلُوبِ وَ اسْتَشْفُوا بِنُورِهِ فَإِنَّهُ شِفَاءُ الصُّدُورِ وَ أَحْسِنُوا تِلَاوَتَهُ فَإِنَّهُ أَنْفَعُ الْقَصَصِ (نهج البلاغه، خطبه ۱۱۰: ۱۶۴): قرآن را بیاموزید، که بهترین سخن است و آن را نیک بفهمید که بهار دلهاست و به پرتو آن شفا جوید که شفای سینه‌هاست و نیکو تلاوتش کنید که نافعترین گفتارهاست.

یکی از مسائل بسیار مهم اسلامی و یکی از وظایف هر انسان مؤمن و معتقد، مأنوس بودن با قرآن است. اولاً ما باید قرآن را بیاموزیم و در مرحله بعد درست و صحیح تلاوت کنیم و بعد از آن در آیاتش تدبر نماییم، و رابطه تنگاتنگ و جدی با آن برقرار کنیم؛ زیرا قرآن، کتاب کامل انسانساز و حاوی تمام برنامه‌ها و رموز تکامل است؛ سخن خداوند متعال، و عمل به آن موجب پیروزی و رستگاری دنیا و آخرت است.

تلاوت و قرائت کلام الهی و تدبر در آیات آن، تأثیر شگرفی بر اعماق قلب مؤمنان دارد و استمرار تلاوت و انس با قرآن، روح و قلب انسان را به درجات عالی ایمان و یقین می‌رساند و به تعبیر امام صادق (علیه السلام) قاریان مؤمن با تلاوت قرآن دردهای (روحی) خود را درمان می‌کنند (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۲: ۶۲۷).

ساعات قبل از استراحت شب یا پس از فریضه صبح، بهترین فرصتی است که بتوان با رعایت آداب تلاوت به قرائت قرآن و سپس به تدبر پرداخت و با گذر از مراحل روخوانی، روانخوانی و

ترتیل و قواعد تجوید، زمینه درک مفاهیم عالی و آشنایی با تفاسیر را فراهم ساخت. این برای پاسداری انقلابی که وظیفه دارد از این قران و دستاوردهای آن حفاظت کند، بدیهی و ضروری است؛ زیرا تا فرد پاسدار نداند و نشناسد که از چه چیزی باید محافظت کند و عمق و محتوای آن را نداند و نشناسد قطعاً نخواهد توانست در وظیفه‌اش موفق باشد و آن را به نحو شایسته و بایسته انجام دهد. در مقابل با شناخت هرچه بیشتر این آموزه‌ها و انس و ارتباط با آنها می‌تواند با انگیزه و اراده بیشتر و بهتری این مهم را به انجام برساند.

۴ - انس با دعا: ارتباط با دعا همانند نماز و قرآن، دل مرده و بی‌روح را زنده و آباد می‌کند. مناجات اگر از ژرفای جان بنده و احساس فقر و نیاز او در مقابل غنی و بی‌نیاز مطلق برخیزد، او را از وابستگی‌های دون مادی می‌رهاند و سبکبال در پهنه آسمان معنویت به پرواز در می‌آورد. بنده در دعا خود را در محضر پروردگارش می‌بیند؛ او را می‌خواند و از او یاری می‌طلبد؛ پرودگاری که هم خود از بندگان خواسته است تا او را بخوانند و هم خود وعده اجابت و دستگیری داده است.

دعاهای ائمه معصومین، «قرآن صاعد» نام گرفته‌اند (امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱۳: ۳۲)؛ زیرا مضامین و مفاهیم عالی و پر محتوای دعاها محرک انسان از عالم طبیعت به عالم ملکوت است و روح را به اوج کمالات معنوی پرواز می‌دهد و راهگشای سالکان کوی دوست برای دستیابی به مدارج عالی انسانیت و خلیفه الهی است. از سوی دیگر مناجات با خداوند تنها راه توجه خداوند به بندگان است: «قُلْ مَا يَعْبُؤُا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ (انفال/۹): بگو اگر دعای شما نباشد، پروردگارم هیچ اعتنایی به شما نمی‌کند.

آدمی در تمامی عرصه‌های زندگی به دعا نیازمند است، اما در عرصه نبرد و مجاهدت در راه پاسداری از دین خدا نیازمندتر. مجاهدان فی سبیل الله آن‌گاه که در برابر دشمن قرار می‌گیرند، خاضعانه دست به دعا بر می‌دارند و از خداوند پایداری، روحیه، ثبات قدم و پیروزی می‌طلبند و برای بهره‌مندی از امدادهای غیبی به درگاه خداوند متعال استغاثه می‌کنند (بیانات در دیدار گروه بسیاری از پاسداران به تاریخ ۱۳۷۶/۹/۱۳)

بنابراین انس با دعاهای صحیفه سجادیه، کمیل، عرفه، شعبانیه، مکارم الاخلاق، ابو حمزه ثمالی و یا دعا و اذکار روزانه در صیقل یافتن روح از زنگارهای تیره معاصی و رهایی از غفلت و جذب رحمت الهی و نشاط معنوی از برجسته‌ترین راهکارهای تقویت اخلاق به شمار می‌آید. مقام معظم

رهبری درباره اهمیت دعا خطاب به پاسداران این‌گونه می‌فرماید: وقتی که با خدا راز و نیاز می‌کنید از جمله چیزهایی که می‌خواهید علاج همین مشکلات درونی و نفسانی است. آن جامعه ای که حداقل مجموعه بزرگی از آن با این خصوصیات پرورش پیدا کنند، همان جامعه‌ای است که هیچ ترفندی در آن کارگر نخواهد بود. اگر در این جامعه، توجّه و توسل همراه با معرفت یافت شود، آن وقت این جامعه، جامعه‌ای است که هر دشمن مستکبری باید حقیقتاً از آن بیمناک باشد؛ باید نسبت به جذب و هضم آن ناامید باشد. (بیانات در دیدار با گروه بسیاری از پاسداران به تاریخ ۱۳/۹/۱۳۷۶).

هرچه انسان در میدان مبارزه و نبرد با دشمنان دین خدا بیشتر درگیر باشد، بیشتر به دعا و راز و نیاز، نیاز دارد و عجیب اینجاست که تقریباً بیشتر دعاهای ماثوری که به ما رسیده از امامانی است که بیشتر درگیر مبارزات بزرگ مدت عمر خودشان بوده‌اند. مقام معظم رهبری می‌فرماید: عجیب این است که اگرچه از همه ائمه تقریباً دعاهایی ماثور است و ادعیه‌ای به ما رسیده است، اما بیشترین و معروفترین دعاها از سه امام است که هر سه درگیر مبارزات بزرگ مدت عمر خودشان بودند: یکی امیرالمؤمنین (علیه السلام) است که دعاهایی مثل دعای کمیل و دعاهای دیگر از آن بزرگوار رسیده است که یک عالم و غوغایی است. بعد ادعیه مربوط به امام حسین (علیه السلام) است که همین دعای عرفه مظهر آنهاست. این دعا دعای عجیبی است. بعد هم امام سجاد (علیه السلام) که فرزند و پیام آور عاشورا و مبارزه در مقابل کاخ ستم یزید است. این سه امامی که حضورشان در صحنه‌های مبارزات از همه بارزتر است، دعاهایشان هم از همه بیشتر است؛ درسشان در خلال دعا هم از همه بیشتر است (بیانات در دیدار با گروه بسیاری از پاسداران به تاریخ ۱۳/۹/۱۳۷۶).

بنابراین نیاز به دعا در صحنه مبارزه و پاسداری بیشتر و بیشتر احساس می‌شود و درست به همین دلیل است که حضرت امام خمینی (ره) یکی از مؤثرترین عوامل معنوی پیروزی رزمندگان دفاع مقدس را عطر افشانی راز و نیاز و دعاهای سحرخیزان عاشق‌پیشه می‌داند؛ بنابراین انس گرفتن با دعا برای صیقل یافتن روح از زنگارهای تیره معاصی و رهایی از غفلت و جذب رحمت الهی و نشاط معنوی از برجسته‌ترین راهکارهای تقویت معنویت به شمار می‌آید.

۵- مطالعه کتابهای اخلاقی و عرفانی (سیره بزرگان): بهره‌گیری از فرصتهای مطالعاتی با مطالعه عمیق کتابهای اخلاقی که بزرگان دین و پیران و مرشدان ره یافته تدوین کرده‌اند، می‌تواند برنامه‌ای

جامع و مدون برای آشنایی با برنامه‌های راهکار عملی خودسازی و دستیابی به نقشه صحیح سیر و سلوک معنوی بر مبنای آموزه‌های دینی برای پاسداران حریم اسلام و انقلاب باشد که خود می‌تواند زمینه ساز ظهور بسیاری از اخلاقیات در او شود. مطالعه سیره پیامبران و ائمه معصومین (علیهم السلام) و سپس بزرگان اهل معرفت و نیز مطالعه کتابهای کنگره بزرگداشت شهیدان دفاع مقدس، بویژه سرداران رشید اسلام در الگوگیری، خودسازی و تقویت معنویت بسیار مؤثر است.

۶ - انس و ارتباط با اهل بیت (علیهم السلام) و معارف آنها

سیره و سخنان اهل بیت (علیهم السلام) گنجینه پایان ناپذیر و بی‌همتایی است که هر اندازه کشف و برداشت و استفاده شود به همان نسبت سعادت و موفقیت نصیب انسانها و جامعه انسانی می‌شود. همه انسانها به هدایت نیازمندند و برترین و بهترین راهنماییها برای پیمودن راه دشوار زندگی شخصی، اجتماعی و مسئولیتی در سیره و رهنمودهای والیان الهی و رهبران معصوم متجلی گشته است. هنر مردان بزرگ و طالب عبودیت و لقاء الله فهمیدن این مهم و برقراری اتصال قلبی با این گنجینه بزرگ هدایت است.

هر انسانی در زندگی شخصی و در مسئولیتهای اجتماعی بویژه در مسئولیت پاسداری از دین خدا به این هدایتها و رهنمودها، سخت نیازمند است. اینکه انسان بتواند بدون استفاده از این گنجینه، راه را با موفقیت طی، و رضایت الهی را کسب کند، توهمی بیش نیست. قرار گرفتن اهل بیت (علیه السلام) در کنار قرآن، به عنوان دو ثقل بزرگ برای رستگاری در دنیا و آخرت، تأکیدی بر همین نکته است.

برای نظام اسلامی و انقلابی جمهوری اسلامی و برای نهاد ارزشمندی چون سپاه پاسداران، معارف اهل بیت (علیهم السلام) به عنوان چراغ راه و مشعل ماندگاری در صراط مستقیم و متخلق شدن به اخلاق الهی و توفیق در جلب رضایت الهی است؛ معارفی که انسان را با خدا و خویشتن آشنا، و تقوا و ایمان معنویت و اخلاق را در وجود او شعله ور می‌کند و به کمال می‌رساند. این معارف یاران و پاسداران انقلاب را در میدانهای سخت مبارزه به هر اندازه که باشد، توفیق خدمتگزاری، استقامت، سلامت نفس و گذشتن از کمندها و دامهای دنیا طلبی و افزون خواهی و شهوات را ممکن می‌سازد.

اگر بخواهیم به یک نمونه از نقش ائمه اطهار (علیهم السلام) در تأثیرگذاری بر هدایت انسان و نگهداشتن او در مسیر الی الله بپردازیم می‌توانیم به این نکته اشاره کنیم که انسان با برخورداری از

دو بُعد مادی و معنوی برای دستیابی به سعادت و تکامل حقیقی خویش نیازمند برطرف ساختن نیازهای هر دو بعد وجودی خویش است.

جان گشاید سوی بالا بالها تن زند اندر زمین چنگالها

خداوند در خصوص تأمین نیازهای ملکوتی و معنوی مؤمنان را به یافتن «وسیله» امر می‌کند: یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ ... (مائده/۳۵): ای مؤمنان از مخالفت خدا پرهیز کنید و برای تقرب به او، وسیله بجویید و در راه خدا جهاد کنید؛ باشد که رستگار شوید.

«وسیله» در اصل به معنی تقرب جستن و یا چیزی است که باعث تقرب به دیگری از روی علاقه و رغبت می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۴: ۳۶۴). بنابراین، هر کار و هر چیزی که باعث نزدیک شدن انسان به پیشگاه الهی می‌شود، وسیله است.

از امام علی (علیه السلام) نقل شده است که در ذیل آیه شریفه «وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ» فرمود: «أَنَا وَسِيلَتُهُ»: «من وسیله خدا هستم» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۵: ۳۳۳).

حضرت زهرا (سلام الله علیها) در خطبه معروف خود فرمودند: «وَاحْمَدُوا اللَّهَ الَّذِي لِعَظَمَتِهِ وَ نُورِهِ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَ نَحْنُ وَسِيلَتُهُ فِي خَلْقِهِ» (ابن ابی الحدید، ۱۳۳۷، ج ۱۶: ۲۱۱): خدایی را ستایش کنید که عظمت و نورش ایجاب می‌کند که اهل آسمانها و زمین (برای نزدیک شدن به او) وسیله بجویند و ما وسیله او در میان خلقش هستیم.

توسل به اهل البیت (علیهم السلام) چه در جنبه‌های راهیابی و راهسپاری در صراط مستقیم الهی، چه در جنبه الگوگیری در رفتارهای فردی و اجتماعی، چه در سلوک الی الله، لازمه ایمان و بقاء بر آن است. محبت و انس و ارتباط با اهل البیت (علیهم السلام) و ملازمت آن با پیروی از آنان راه رسیدن به کمال و حفظ و افزایش اخلاق اسلامی است.

اتصال قلبی به اهل البیت (علیهم السلام)، برکاتی برتر از این گفته‌ها دارد و در وصف نیاید. خداوند تبارک و تعالی اراده فرموده است تا در توسل و اتصال به اهل البیت (علیهم السلام) برکات فراوان و خارج از ادراکات بشری در دنیا و آخرت نصیب انسان کند.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در بیان برکات محبت به اهل البیتش (علیهم السلام) می‌فرماید: هر کس با محبت آل محمد (ص) بمیرد شهید از دنیا رفته است. آگاه باشید هر کس با محبت آل محمد (ص) از دنیا رود بخشوده است. آگاه باشید هر کس با محبت آل محمد (صلی الله علیه و آله) از دنیا رود با توبه از دنیا رفته است. آگاه باشید هر کس با محبت آل محمد (ص) از دنیا رود

مؤمن کامل الایمان از دنیا رفته است. آگاه باشید هر کس با محبت آل محمد ص از دنیا رود فرشته مرگ او را بشارت به بهشت می‌دهد و سپس منکر و نکیر (فرشتگان مأمور سؤال در برزخ) به او بشارت دهند. آگاه باشید هر کس با محبت آل محمد (ص) از دنیا رود او را با احترام به سوی بهشت می‌برند آن چنانکه عروس به خانه داماد. آگاه باشید هر کس با محبت آل محمد (ص) از دنیا رود در قبر او دو در به سوی بهشت گشوده می‌شود. آگاه باشید هر کس با محبت آل محمد (ص) از دنیا رود قبر او را زیارتگاه فرشتگان رحمت قرار می‌دهد... (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۴: ۲۲۱-۲۲۰؛ فخررازی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۷: ۱۶۶-۱۶۵؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۸).

این همه مقام که خداوند در محبت اهل البیت (علیهم السلام) قرار داد به دلیل راز و رمزی است که در این محبت و دل‌های آکنده از آن در پرهیز از گناهان و اجرای واجبات الهی و ترک هر آنچه اهل البیت (علیهم السلام) آنها را ترک نموده‌اند، قرار داده شده است. محبت اهل البیت (علیهم السلام) هم راه است و هم نورانیت راه، هم برطرف کننده موانع و هم سرعت غیر قابل تصور در پیمودن راه به سوی کمال است. مقام معظم رهبری در اهمیت این محبت و ارتباط می‌فرماید: «قدر این ارتباط و اتصال قلبی و پیوند معنوی را باید بدانیم؛ پشتوانه ایمان ماست؛ گوهر ارزنده‌ای است که تشکیل دهنده هویت انسانی و اسلامی ماست. محبت را روز به روز بین خودمان و خانواده معصوم و مطهر اهل البیت پیغمبر (علیهم السلام) و بخصوص فاطمه زهرا (سلام الله علیها) بیشتر کنیم و هم چنین خودمان را با اطاعت خدا به آنها نزدیک نماییم» (بیانات در دیدار با مداحان اهل بیت، مردادماه ۱۳۸۲).

این مهم برای پاسداران که در جایگاه و وظیفه نگهداری از اسلام و انقلاب به عنوان دسترنج و جانمایه ائمه اطهار و حاصل فعالیت‌های آنها قرار گرفته‌اند، بسی دوچندان می‌نماید. اگر کسی بخواهد این مهم را به انجام برساند، باید بیشترین توسل و ارتباط را با آنها داشته باشد تا در سایه عنایات آنها، بتواند توان محدود خود را مضاعف سازد و با وجود همه تجلیات دنیایی که وجود دارد و همه دامهایی که برای او پهن شده است نلغزد و در مسیر ثابت قدم بماند و این بدون توجه و اتصال قلبی با اهل بیت و آموزه‌های آنها امکانپذیر نیست. اگر بخواهیم لب گشوده و تنها گوشه‌ای از حوادث دفاع مقدس و همین‌طور خطرهایی که در طول این سی و اندی سال، انقلاب اسلامی، سپاه پاسداران و کارکنان آن را تهدید می‌کرده، مروری گذرا کنیم، می‌توانیم به روشنی در لحظه لحظه آن دست عنایات اهل بیت (علیهم السلام) را بخوبی مشاهده کنیم و این خود نمونه خوبی

است برای برقرار کردن اتصال قلبی با اهل بیت (علیهم السلام) و آگاهی از آموزه‌ها و رهنمودهای آنان. بازخورد عملی چنین ارتباطی بروز رفتارهای اخلاقی از فرد پاسدار خواهد بود و این امر زمینه مناسبی را برای بروز و ظهور اخلاقیات پاسداری فراهم می‌سازد.

۷- شناخت صحیح دنیا و آخرت

نوع بهره‌مندی انسان از دنیا و مواهب آن به نوع نگرش و دیدگاه او بستگی دارد. مکتب تربیتی اسلام در صدد است فراگیران را آخرتگرا و آخرت نگر بار بیاورد؛ گفته‌ها و کنشهای تربیتی پیامبران عظام و ائمه دین (علیهم السلام) همواره بر این متمرکز بود که فرزندان، دوستان، یاران و اطرافیان خود را به آخرتگرایی و گذار فکری و عملی از پل صراط زندگی دنیا دعوت کنند. امام علی (ع) در سی و یکمین نامه خطاب به فرزندشان امام حسن مجتبی (علیه السلام) می‌فرماید: «وَاعْلَمْ يَا بُنَيَّ أَنَّكَ إِنَّمَا خُلِقْتَ لِلْآخِرَةِ لَا لِلدُّنْيَا وَ لِلْفَنَاءِ لَا لِلْبَقَاءِ وَ لِلْمَوْتِ لَا لِلْحَيَاةِ وَ أَتُكِّ فِي قُلُوعِهِ وَ دَارِ بُلُوعِهِ وَ طَرِيقِ إِلَى الْآخِرَةِ (نهج البلاغه، نامه ۳۱: ۳۹۸)؛ و بدان که تو را برای آخرت آفریده‌اند، نه برای دنیا، برای فنا آفریده‌اند، نه برای بقا و برای مرگ آفریده‌اند، نه برای زندگی؛ در سرایی هستی ناپایدار که باید از آن رخت بریندی؛ تنها روزی چند در آن خواهی زیست. راه تو راه آخرت است.

وقتی فرد باور داشته باشد که دنیا سرای گذر است نه سرای استقرار (نهج البلاغه، حکمت ۱۳۳: ۴۲۹)، منزلگاهی ناپایدار و جای کدورت و ناخوشی است (همان، حکمت ۱۹۶: ۳۱۰)؛ خانه‌ای است که خوشیهای آن دست به دست می‌شوند (همان، حکمت ۱۳۱: ۴۲۹)، مکار و فریبکار است (همان، خطبه ۲۳۰: ۳۵۲)، باطنش فنا و نیستی است (همان، حکمت ۴۳۲: ۵۵۲) و داستانش، داستان ماری است که بدن آن نرم و زهرش کشنده است (همان، نامه ۶۸: ۴۵۸)، وقتی باور داشته باشد که دنیا نیز آفریده خدا و محکوم به فنا، پیچیده به رنجها و گرفتاریها و معروف به مکر است (همان، خطبه ۲۲۶: ۳۴۸) و هیچ کس در آن به سلامت نمی‌ماند مگر در سایه تقوا (همان، نامه ۵۹: ۴۴۹)، آن هنگام که بداند آدمی در دنیا هرگز آسودگی ندارد (همان، نامه ۵۹: ۴۴۹)؛ چرا که سرمایه آب آن گل آلود است (همان، خطبه ۸۳: ۱۰۸)، فرینده‌ای فانی شدنی، روشنایی پنهان گشتنی، سایه‌ای زایل شدنی و تکیه‌گاهی رو به ویرانی (همان) و روزی اقامت در دنیا تمام می‌شود؛ با این اوصاف دنیا را برای خود جایگاه اقامت دائم نمی‌پندارد (همان، خطبه ۱۳۲: ۱۹۰) و به آن به عنوان وسیله و

ابزاری به منظور رشد و هدایت خود می نگردد؛ می داند دنیا صحنه کار و تلاش است و آخرت نتیجه اعمال (احسانی، ۱۴۰۵، ج ۱: ۲۶۷)؛ پس باید هر آنچه از توشه حیات ابدی و آبادانی آخرت را سبب می شود در دنیا مهیا کند (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۶: ۲۱۹). وقتی بدانند بهترین توشه برای آبادانی آخرت تقوا است (همان، حکمت ۱۳۰: ۴۹۲) و هیچ ارجمندی جز آن نیست (همان، حکمت ۳۷۱: ۵۴۰)؛ سعی می کند برای آخرت کار کند؛ زیرا که سعادت او در آخرت بدون آن تأمین نمی شود (همان، حکمت ۱۵۰: ۴۹۷). با این شناخت او کار می کند ولی نه آن گونه که کار دنیا او را از آخرت باز دارد (همان، حکمت ۲۹۶: ۵۲۲). او تلاش می کند عمل او در دنیا پاک و پیراسته (همان، حکمت ۱۹۰: ۲۸۱)، طلب او حلال (همان، خطبه ۱۹۳: ۳۰۳) و تنها به کار شرافتمندانه پردازد (همان، نامه ۳۱: ۴۰۲).

این عقیده که انسان پس از زندگی دنیایی به خدای خویش می پیوندد و باید در برابر اعمال و رفتارش پاسخگو باشد او را به انسانی تبدیل می کند که حاضر نمی شود دنیای خود را به بهای نابودی آخرت آباد کند (همان، نامه ۴۳: ۴۱۵) و مراقب رفتار و اعمال خویش است و تلاش می کند اعمال خود را آن گونه انجام دهد که موجبات سعادت و سربلندی او را در جهان باقی فراهم سازد.

وقتی چنین شناختی حاصل شد، او تلاش خواهد اخلاق مداری و اخلاقگرایی را در تمامی حوزه های زندگی مد نظر قرار دهد تا در آخرت بهترین و برترین جایگاه را از آن خود کند و به آتش جهنم گرفتار نشود. این شناخت و این آگاهی از عاقبت کار جهان و بازخواستی که در قیامت از رفتار او خواهد شد برای فرد پاسدار نیز به مانند بقیه افراد اثرگذار است و در جهتدهی اخلاقی به فعالیتهای او نقشی اساسی دارد. او نیز مانند انسانهای آگاه و بصیر تلاش خواهد کرد در مسئولیت پاسداری کمکاری و کم فروشی نکند و آن را به نحو احسن انجام دهد؛ زیرا می داند که چه مسئولیت خطیر و مهمی برعهده گرفته است و چقدر به دقت و ظرافت و حساسیت نیاز دارد که کمترین بی اخلاقی و کمکاری در آن آثار سوئی به دنبال خواهد داشت که چه بسا در بعضی موارد هم قابل جبران نباشد و برای این کوتاهی او در قیامت به عذابی دردناک گرفتار خواهد شد.

بنابراین شناخت صحیح دنیا و حقیقت آن، می تواند به عنوان یک عامل مهم و اساسی در ایجاد گرایشها و رفتارهای اخلاقی در فرد پاسدار مد نظر قرارگیرد و با جامه عمل پوشاندن این مهم در مسئولیت و وظیف پاسداری، آن را به نحو شایسته انجام دهد تا در سرای آخرت از عذاب

جهنم برهد و در منزلگاه خوبان و نیکان در بهشت سکنی گزینند.

۸- ولایتمداری و ولایت محوری (پیروی از ولی فقیه)

از دیگر راه‌های تقویت اخلاق پاسداری، ولایتمداری و ولایت محوری است. در نظرگاه شیعه ولایتی که فقهای جامع شرایط کسب می‌کنند در طول ولایت الهی، نبوی و علوی جای دارد؛ ولایتی است که به نوعی از سوی خدا واگذار شده است. حضرت امام خمینی (ره) در این باره می‌فرماید: ولایت فقیه یک هدیه الهی است و از زمان رسول الله تا حالا بوده است و چیزی نیست که مجلس خبرگان ایجاد کرده باشد؛ بلکه چیزی است که خدای تبارک و تعالی درست کرده است و همان ولایت رسول الله است» (نگارش، ۱۳۸۴: ۴۳).

نظام دینی جمهوری اسلامی ایران به عنوان اولین و مستقل‌ترین حکومت دینی در جامعه بشری است که در حال گذراندن چهارمین دهه از عمر خویش است؛ چهار دهه‌ای که همواره میدان آزمایشها و فتنه‌ها بود؛ اما این نظام دینی توانست در سایه ولایت فقیه و مدیریت و تدبیر الهی او از میدانهای نبرد نرم و سخت سربلند بیرون آید. اگر تاریخ حیات سیاسی حکومت دینی جمهوری اسلامی ایران را ورق بزنیم، صفحات زرینی را می‌یابیم که روشنگریها و ایستادگیهای ولایت و رهبری نظام، دژ محکمی در برابر اهداف شوم دشمنان بوده است و با تدبیرهای شایسته او، انقلاب اسلامی را از سقوط در ورطه انحراف نجات داده و در مسیر واقعی و الهی خود هدایت نموده است. بسیاری از اهداف و نظریات اسلام، بعد از انقلاب اسلامی به برکت ولی فقیه و پیروی از آن به ثمر نشست. تجربه انقلاب اسلامی این حقیقت را بر ما روشن کرد که دستورهای ولی فقیه، فرمان او و نظارت‌های او ضامن بقای حرکت اسلامی خواهد بود ضمن اینکه توجه به این فرمان، پیروی و ولایت محوری و ولایت پذیری می‌تواند راهگشای خوبی در جهت رسیدن به سعادت باشد.

زیر ساز ولایتمداری و ولایت محوری اندیشه و معرفتی است که بر آموزه های وحیانی قرآن کریم و ولایت خاندان نبوت (علیهم السلام) و نیز خردورزی روشمند استوار است و رهاورد آن باور قلبی و رفتار شایسته‌ای است که همواره بر مدار ولایت حق تعالی و پیروی از اولیا و برگزیدگان الهی قرار دارد. آنچه در این مقوله قابل توجه است، پذیرش ولایت به معنای واقعی کلمه است؛ به گونه‌ای که منافع عمومی و دینی و اسلامی را در این پیروی بر منافع شخصی خود مقدم دارد.

فرایند ولایتمداری، که بر حسن فاعلی (ایمان و خلوص نیت) و حسن فعلی (رفتار شایسته بر

مدار شریعت) استوار است، انسان را در حرکت به سوی کمال و قرب به خداوند رهنمون می سازد تا تحت ولایت خاص خداوند قرار گیرد. اگر بخواهیم این مسئله را بخوبی تشریح کنیم اشاره به این روایت جالب توجه است؛ در روایت می خوانیم که سهل خراسانی به امام صادق (علیه السلام) عرض کرد با اینکه صد هزار شیعه رزمنده و فداکار دارید چرا سکوت کرده اید و برای گرفتن حقتان قیام نمی کنید. امام فرمود تنور را روشن کنید. فرمود خراسانی برو داخل تنور. گفتم سرور من، مرا با آتش مجازات مکن و از جرم من در گذر! امام فرمود: گذشتم. در این حال هارون مکی از راه رسید و کفشهایش در دستش بود. امام فرمود کفشها را بگذار و به داخل تنور برو. او هم بلافاصله امتثال امر کرد و داخل تنور رفت. امام صادق (علیه السلام) مشغول صحبت با خراسانی شد و به گونه ای از مسائل خراسان می گفت که گویا خود شاهد آن بوده است؛ سپس فرمود در خراسان چند نفر چون هارون مکی هستند؟ سهل گفت حتی یک نفر همچون او در خراسان نیست! سپس فرمود آگاه باش ما هرگز در شرایطی قیام نمی کنیم که حتی پنج نفر یار همراه وفادار نداشته باشیم. ما بهتر زمان قیام را می شناسیم (خاتمی، ۱۳۷۷: ۲۲۷).

این روایت گویای این حقیقت است که ممکن است برحسب ظاهر بسیاری ادعای ولایت پذیری کنند اما در مقام عمل این گونه نباشند. براین اساس همراهی قول و فعل در ولایت پذیری، ضروری و بدیهی است.

سپاه پاسداران به دلیل نقش خطیر و مسئولیت مهم و حساسی که برعهده گرفته - که کمترین خطا و اشتباهی در آن ممکن است صدمات جبران ناپذیری به دنبال داشته باشد - ضرورت دارد بیش از پیش ولایتمداری در تک تک نیروهای این سازمان مد نظر قرار گیرد بویژه که در رأس هرم این سازمان ولی فقیه به عنوان فرمانده قرار دارد و سیاستها، نیروها و برنامه ها با نظر و دستور ایشان قابل اجراست و این برای سازمانی که در این وضعیت و با این ساختار و با این مأموریت قرار دارد، ضرورت توجه به ولایت فقیه در آن دو چندان می نماید. مقام معظم رهبری در این باره می فرماید: ولایت فقیه باید همچون خون زندگی بخش در رگ سپاه جاری شود و این جریان باید در عملکرد سپاه و سپاهیان تجلی کند (پژوهشکده تحقیقات اسلامی، ۱۳۷۷: ۳۶).

بنابراین اگر سپاه و پاسداران انقلاب بخواهند به اهداف فعالیت دینی دسترسی پیدا کنند و در مأموریتها سربلند بیرون آیند، همواره باید از ولی فقیه پیروی کنند و تسلیم دستور او باشند و فرمانبردار او باشند و فرمان او را فرمان خدا، پیامبر و امام بدانند. بیت الغزل کلام ولی فقیه حرکت

بر مدار اسلام و قرآن و تخلق به اخلاق اسلامی در گفتار و کردار است. مقام معظم رهبری با تأکید بر نقش ولایت فقیه می‌فرماید: آینده سپاه پاسداران مایه امید، آرزو و چشم اندازهای زیبا و وسیع است و اگر سپاه هدایت نشود و نظارت مستمر ولایت فقیه نباشد از سوی دشمنان بشدت مورد تهدید قرار گرفته و احتمال نفوذ و انحراف خط سپاه نگران کننده خواهد بود.

رزمندگان عزیز اسلام در دوران دفاع مقدس با پیروی از مکتب ولایت و امامت و تاسی به شهیدان کربلا، ولایت پذیری و ولایت محوری را به بهترین شکل به نمایش گذاشتند. تجربه هشت ساله دفاع مقدس این حقیقت را بر ما ثابت کرد رهبری پیامبرگونه امام خمینی (ره) و شخصیت پرنفوذ معنوی و عرفانی ایشان هر روز و هر لحظه در تمام نقاط جبهه حکمرانی می‌کرد و تأثیرات عمیق و شگرف آن در روحیه و عملکرد رزمندگان کاملاً مشهود و ملموس بود.

عشق رزمندگان به امام در عمق روح و جان آنان نفوذ کرده بود؛ عشقی که غایت محبت و علاقه است (میردامادی، ۱۳۶۷: ۱۷۹). آتشی سوزان که هم جان است و هم جانان و عقل از ادراک آن و دل از دریافت آن ناتوان است (خواججه عبدالله انصاری، ۱۳۷۲، ج ۱: ۳۵۶).

در حقیقت شور و حال سلحشوری و شوق به جهاد و استقامت رزمندگان و فتوحاتی که در نبرد با دشمنان اسلام به دست آوردند تا اندازه زیادی مرهون دلدادگی و انس با ولی فقیه زمان حضرت امام خمینی (ره) و پیروی از وی بود. در حقیقت این ولایتمداری و انس و ارتباط وثیق با مراد و مرشد، حکایت از حدیث دلدادگی و دلباختگی عاشقان شیفته‌ای بود که کارنامه جهاد و دفاع آنان با عیار عشق و مودت محک خورده است. همین ارتباط قوی بود همین امتثال امر ولی فقیه و فرمانبرداری وی بود که باعث شد در صحنه مبارزه نلغزند و محکم و استوار و بدون انحراف حماسه‌هایی بیافرینند که در طول تاریخ کم‌نظیر و بی‌نظیر بوده است.

پاسداران انقلاب باید با نگاه به رمز موفقیت رزمندگان اسلام در طول هشت سال دفاع مقدس - که همان ولایتمداری و ولایت محوری بود - این مهم را سرلوحه فعالیت‌های خویش قرار دهند و اوامر ولی فقیه زمان را با جان و دل پذیرا باشند و به آنها جامه عمل ببوشانند. طبعاً پیروی از ولایت و اطاعت از اوامر و نواهی ایشان زمینه تقویت اخلاق پاسداری را فراهم می‌سازد؛ زیرا او آشنا و آگاه به دین است و به دور از هوای نفس برای پیشبرد اسلام و انقلاب حرکت می‌کند.

پاسدار انقلاب باید برای موفقیت و سرفرازی در حفظ نتیجه و دسترنج خون هزاران شهید و صیانت از دستاوردهای آن به تاسی از شهیدان در سنگر ولایتمداری و ولایت محوری قرار گیرد

و آن را ترک نکنند و با جان و دل و درگفتار و کردار به این مهم جامه عمل بپوشانند. انسان از طریق اعتقاد به ولایت الهی و اولیای خداوند و اجرای بایسته های ولایتمداری تحت ولایت خاص خداوند قرار می گیرد و رهاورد آن نعمت قرب به خداوند است و در پرتو این کمال می توان از نظام ولایی، پاسداری کرد. اعتقاد و التزام عملی به ولایت فقیه در عصر غیبت حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از ویژگیهای ولایتمداری و پاسداری از انقلاب اسلامی است که باید در نهان و آشکار رفتار پاسداران و همه کارهای سازمانی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نمود آشکار و حقیقی داشته باشد. مراقبت از این حقیقت والا، و نظارت بر حسن اجرای آن مسئولیت ولایتمداران در همه عرصه هاست.

۹ - مطالعه سیره و منش شهیدان

انس و ارتباط با شهیدان، مطالعه زندگی، سیره و منش آنان، بازدید از مناطق جنگی و یادکرد حماسه آفرینیهای آنان و مطالعه دلنوشته‌ها وصیتهای آنان نیز می‌تواند به عنوان عاملی مهم و تأثیرگذار در تقویت اخلاق پاسداری مورد توجه قرار گیرد. از نظر قرآن کریم از عرصه‌هایی که ارزشهای اخلاقی در آن تأثیر بسزایی دارد، عرصه جهاد و دفاع است. قرآن کریم علاوه بر اینکه جهاد و دفاع را از کارهای بسیار ارزشمند و مهم بر می‌شمارد و با تشویق و ترغیب شعله دفاع در برابر بیگانگان مهاجم را در جان مؤمنان برمی افروزد از ارزشهای اخلاقی متعددی یاد می‌کند که اگر مؤمنان به آنان پایبند باشند از آزمون جهاد و دفاع سرافراز و سربلند بیرون می‌آیند و دشمن را ناکام می‌گذارند؛ به بیان دیگر از نظر قرآن کریم رزمندگان اسلام باید دارای ویژگیها و صفات اخلاقی خاصی باشند تا بتوانند کیان خویش را در برابر هجوم بیگانه حفظ کنند و پیروزی و ظفر را در آغوش بگیرند که از جمله این عوامل می‌توان به صبر و پایداری (انفال/۶۵)، یاد خدا (انفال/۴۵)، توکل به خداوند (آل عمران/۱۶۰ و ۱۲۲)؛ توبه/۵۱) شوق جهاد (توبه/۹۲)، اخلاص (نساء/۹۵؛ توبه/۲۰)، شهادت طلبی (نساء/۷۴)؛ آل عمران/۱۶۹؛ محمد/۴۷) و... اشاره کرد.

شهیدان با برخورداری از این ویژگیها توانستند در صحنه کارزار خوب بدرخشند و صحنه‌های دل‌انگیزی از عشق، شور و حماسه، ایثار و اخلاص به نمایش بگذارند و همین باعث موفقیت آنان در صحنه مبارزه با دشمنان اسلام و انقلاب گردید. بازخوانی سیره و منش شهیدان می‌تواند زمینه مناسبی را برای تقویت تمایلات اخلاقی در پاسداران حریم انقلاب فراهم سازد و ارزشهای اخلاقی

را مد نظر قرار دهند که سبب موفقیت و سربلندی و سرافرازی آنان شد و به اتخاذ رویکردی اخلاقمدارانه در کار و مسئولیت ترغیب کند.

همین‌گونه شهیدان عزیز با مقام عالی و قرب الهی که روزی آنان شده است، قبل از شهادت خود به نگارش کوتاه ولی تأثیرگذار بخشی از یافته‌ها و معنویات جبهه پرداخته‌اند و در قالب وصیت‌نامه، گاه میوه عرفان پر جاذبه را بازگو کرده‌اند. سالکانی که سالها با ریاضت و تربیت خود به برخی مقامات رسیده‌اند از این همه معنویات درمانده و والۀ این میدان وسیع معرفت و عشق شده‌اند.

مطالعه وصیت‌نامه شهیدان از جمله راه‌های بازسازی و بازیابی اخلاق اسلامی است بویژه برای پاسداران که از همان میدانها و از آن شهدای عزیز خاطرات ارزنده و گرانبهایی به یادگار دارند. از حضرت امام خمینی (ره) که خود در عرفان و مناجات و راز و نیاز با خدا و وصول قرب الهی، کم نظیر و بی‌نظیرند، جملاتی درباره وصیت‌نامه شهیدان و مقام آنان بیان شده است که به اثر عمیق و شوق آفرین و معنویت بخش وصیت‌نامه‌ها، صحه می‌گذارند. ایشان در این باره می‌فرمایند: وصیت‌نامه این جوانان را شما دیده‌اید که چیست؟ این وصیت‌نامه‌ها، اینها انسان را می‌لرزاند؛ انسان را بیدار می‌کند (امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱۶: ۱۳).

مقام معظم رهبری وصیت‌نامه شهیدان را سرشار از درسهایی برای زندگی می‌دانند و می‌فرمایند: «این وصیت‌نامه‌هایی که امام می‌فرمودند بخوانید، من به این توصیه ایشان خیلی عمل کرده‌ام. هرچه از وصیت‌نامه‌های همین بچه‌ها به دستم رسیده یک فتوکپی، یک جزوه غالباً من اینها را خوانده‌ام؛ چیزهای عجیبی است. ماها واقعاً از این وصیت‌نامه‌ها درس می‌گیریم. اینجا معلوم می‌شود که درس و علم و علم الهی، بیش از آنچه که به ظواهر و قالب‌های رسمی وابسته باشد به حکمت معنوی که ناشی از نورانیت الهی است، وابسته است. آن جوان خطش هم به زور خوانده می‌شود، اما هر کلمه‌اش برای من و امثال من، یک درس و یک راهگشاست و من خودم خیلی استفاده کرده‌ام (بیانات در چهارمین مجمع بزرگ فرماندهان سپاه، ۱۳۷۰ / ۶ / ۲۷).

با مطالعه این وصیت‌نامه‌ها به عنوان آخرین دریافتهای معنوی شهیدان از این دنیا و سرای آخرت می‌توان نمونه‌های برجسته‌ای از اخلاق اسلامی را مشاهده کرد. مطالعه این وصیت‌نامه‌ها عامل زمینه‌سازی است برای تقویت اخلاق؛ لذا اگر انسان مقید باشد به مطالعه این وصیت‌نامه‌ها که براساس آنها عمل کند، می‌تواند به اوج کمالات انسانی و اخلاق اصیل اسلامی دست یازد و به

تبع آن به رفتار و کرداری اخلاقی متمایل و ترغیب شود.

۱۰ - ارتباط و انس با روحانیت

ارتباط و انس با روحانیت، یکی از زمینه‌ها و فرصتها برای تقویت اخلاق اسلامی است. روحانیت به دلیل ویژگیهای منحصر به فرد از قبیل خود سازی و تربیت نفسانی، معنویت، آگاهی به موازین اسلامی و عمل به آنها، همت و اراده قوی در تبلیغ دین خدا، اقتدا به پیامبر عظیم الشان در هدایت مردم، زهد پارسایانه و عبادت سالکانه، همواره منشأ برکات معنوی و نمونه‌های بارزی از متخلفین به اخلاق اسلامی بوده‌اند. انقلاب اسلامی این گنج بزرگ را بیشتر آشکار ساخت. تلاش مخلصانه آنان، دین خدا را به دور از اعوجاجها به دست مؤمنان رساند.

تعبیه و تعیین نمایندگان از سوی بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و رهبر معظم انقلاب اسلامی در نهاد های انقلاب بویژه در سپاه پاسداران با وظایف معینی، نشان داده است که برای بقا در صراط انقلاب اسلامی و استمرار خدمتگذاری در دین خدا به این قشر عظیم القدر نیازمندی وجود دارد. انس با روحانیت مهدب، خداجوی و متخلف به اخلاق در گفتار و کردار، انسان را با معنویت که لازمه اخلاق اسلامی است، آشنا می‌کند و دلها را از معرفت و معنویت آکنده می‌سازد. امام خمینی (ره) در لزوم استفاده از روحانیت برای دستیابی به ارزشهای اسلام این گونه می‌فرماید: نکته دیگری که از باب نهایت ارادت و علاقه‌ام به جوانان عرض می‌کنم این است که در مسیر ارزشها و معنویات از وجود روحانیت و علمای متعهد اسلام استفاده کنید و هیچ‌گاه و تحت هیچ شرایطی خود را بی‌نیاز از هدایت و همکاری آنان ندانید. روحانیون مبارز و متعهد به اسلام در طول تاریخ و در سخت‌ترین شرایط همواره با دلی پر از امید و قلبی سرشار از عشق و محبت به تعلیم و تربیت و هدایت نسله‌ها همت گماشته‌اند و همیشه پیشتاز و سپر بالای مردم بوده‌اند؛ بر بالای دار رفته‌اند و محرومیتها چشیده‌اند؛ زندانها رفته‌اند و اسارتها و تبعیدها دیده‌اند و بالاتر از همه، آماج طعنها و تهمت‌ها بوده‌اند و در شرایطی که بسیاری از روشنفکران در مبارزه با طاغوت به یأس و نومیدی رسیده بودند روح امید و حیات را به مردم برگرداندند و از حیثیت و اعتبار واقعی مردم دفاع نموده‌اند (امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۲۱: ۹۸ و ۹۷).

آری وجود روحانیت در تمامی عرصه‌ها با خود ایجاد روحیه معنوی در افراد را به همراه دارد. وجود روحانیت در درون سپاه پاسداران همواره باعث ایجاد معنویت بین نیروهای سازمان شده است و این امر بویژه در طول هشت سال دفاع مقدس بخوبی به چشم می‌آید. امروزه نیز نمایندگی

ولی فقیه در سپاه وظیفه تعالی معنوی و اخلاقی نیروها را بر عهده دارد. نبود این حوزه در درون سازمان در چنین عصری - که جامعه، هدف تیره‌های فرهنگی غرب از جمله دنیاطلبی شده است - باعث بروز ضعف اخلاقی بین نیروهای سازمان می‌شود. مقام معظم رهبری نقش و وظیفه روحانیت را در سپاه پاسداران ایجاد تحول معنوی می‌دانند و خطاب به این عزیزان می‌فرمایند: «برادران عزیز روحانی که در سپاه یا در بقیه نیروهای مسلح تشریف دارند و برکات وجودشان بر این جوانان مخلص و صالح افشانده می‌شود، این مسئولیت عظیم را بر دوش دارند که مضاف بر عقاید و احکام، معنویات اسلام را تعلیم بدهند و اخلاق را متذکر بشوند. اخلاق هم درس نیست. درس اخلاق یک علم است. آن چیزی که لازم است، نصیحت است. همه ما به نصیحت احتیاج داریم. باید جوانان را نصیحت کنند و آنها را از تصرف هوای نفس، ریا، خودخواهی، بدنگری نسبت به مسائل و دست خوش شیطان شدن، دور نگه دارند. غیر از اینکه باید معلوماتشان را کامل کنند، معارفشان را بالا ببرند و قدرت تحلیل سیاسی بدهند» (بیانات در دیدار با جمعی از پاسداران و مسئولان نمایندگی ولی فقیه در سپاه، بهمن ماه سال ۱۳۶۹)؛ بنابراین وجود روحانیت مخلص و خداجوی و خداترس، می‌تواند به عنوان یک عامل نیرومند و قوی، موجبات رشد و تقویت و اخلاقیات پاسداری را فراهم سازد.

۱۱ - تأمین مالی و رفع نیازهای کارکنان

تأمین مالی و رفع نیازهای کارکنان نیز در کنار سایر عوامل باعث تقویت اخلاقیات پاسداری می‌شود؛ زیرا چه بسا دغدغه معاش و نگرانی گذران زندگی آبرومند، زمینه‌های تحقق اخلاق را تباه کند و یا حداقل تحقق آن را بسیار دشوار سازد؛ از این روست که امام علی (ع) در فرمانها و دستورهای حکومتی و اداری خود بر تأمین کامل و وافی کارگزاران و کارکنان سخت تأکید می‌کنند. آن امام همام در نامه ای خطاب به مالک اشتر، این چنین فرموده اند: «تَمَّ أَسْبَغَ عَلَيْهِمُ الْأَرْزَاقَ فَإِنَّ ذَلِكَ قُوَّةٌ لَهُمْ عَلَى اسْتِصْلَاحِ أَنْفُسِهِمْ وَ غِنَى لَهُمْ عَنْ تَنَاوُلِ مَا تَحْتَ أَيْدِيهِمْ وَ حُجَّةٌ عَلَيْهِمْ إِنْ خَالَفُوا أَمْرَكَ أَوْ تَلَمَّوْا أَمَانَتَكَ» (نهج البلاغه، نامه ۵۳: ۴۳۴). سپس روزی فراوان بر آنان ارزانی دار که با گرفتن حقوق کافی در اصلاح خود بیشتر می‌کوشند و با بی‌نیازی، دست به اموال بیت المال نمی‌زنند و اتمام حجتی است بر آنان اگر فرمانت را نپذیرند یا در امانت تو خیانت کنند. نگاه امام علی (علیه السلام) به کارگزاران و کارکنان دستگاه اداریش چنین است که شما خود با ارزشید و پیش از اینکه به خدمتکاری شما در مسئولیت نگاه شود در درجه نخست خود شما و

ارزش شما و استعدادهای شما و صلاح و سامان شما مطرح است. امام علی(ع) به مالک اشتر به تأمین معیشتی کامل و همه جانبه (اسبغ رزق) فرمان داده است (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۹: ۱۰۰). ایشان دو دلیل برای این فرمان خود ذکر می‌کند: ۱- این کار، آنها را در اصلاح خویش تقویت می‌کند. ۲- از خیانت در اموالی که زیر دست آنهاست بی‌نیاز می‌سازد.

آن امام همام در اولین دلیل فرمان خود به حقیقتی تربیتی اشاره می‌کند. از نظر آن بزرگوار پرداخت کامل حقوق و گشایش در روزی کارکنان به آنان کمک می‌کند تا در جهت اصلاح خود گام بردارند و از فقری که مایه زیان دین و آشفته‌گی خاطر و پریشان حالی است نجات یابند؛ زیرا تنگناهای زندگی انسان را وسوسه می‌کند و ممکن است زیر فشارهای سخت معیشتی به نادرستی و خیانت دست بیالایند (خدمتی و دیگران، ۱۳۸۲: ۹۰)؛ برای این اساس سیاست سازمان باید به گونه‌ای باشد که نیروها از نظر زندگی و معیشت تأمین باشند و از این نظر امنیت لازم برایشان فراهم گردد تا زمینه خیانت و ستمگری بسته شود و راه اصلاح و خدمتگزاری و گرایشهای اخلاقی گشوده شود. از این رو، امام علی(ع) در دلیل دوم خود با جمله «غَنَى لَهُمْ عَنْ تَنَاوُلِ مَا تَحْتَ أَيْدِيهِمْ» خطر در تنگنا قرار گرفتن کارکنان را چنین گوشزد می‌کند که اگر آنان از حقوق لازم خویش - که زندگیشان را به طور کامل تأمین می‌کند - محروم باشند، ممکن است برخی از آنها نتوانند تحمل کنند و خواسته یا ناخواسته به نادرستی بگردانند و به اموال و امکاناتی که در اختیارشان هست، دست تعدی دراز کنند.

براساس این جمله‌ها زمینه‌های مؤثر در تقویت اخلاق پاسداری، تأمین و رفع دغدغه‌های مالی و معیشتی کارکنان است؛ دغدغه‌ای که چه بسا اگر رفع، و برآورده نشود، فرد را بی‌اخلاقی و زیر پا گذاشتن همه چارچوبها و اصول و معیارهای الهی و اسلامی و ادار سازد. البته این عامل با توجه به روحیه‌ای که از پاسدaran انقلاب از همان ابتدای تشکیل سپاه تا دوران دفاع مقدس و بعد از آن در عرصه‌های مختلف به نمایش درآمده و اخلاص و بی‌ادعایی آنها را نشان داده، کمتر تأثیرگذار بوده است لیکن به عنوان یک عامل نباید نقش آن نادیده گرفته شود.

۱۲ - عملگرایی مدیران و مسئولان

از جمله دیگر عوامل تأثیرگذار در تقویت گرایشهای اخلاقی، عملگرایی مسئولان، فرماندهان، مدیران و آمران به اخلاقمداری است. در فرهنگ اسلام، همراه بودن علم و عمل بسیار مورد توجه قرار گرفته و بر آن تأکید فراوان شده است؛ زیرا رفتار و عمل بهترین راه برای اثبات حَقانیت

گفتار است و هرگونه شائبه‌ای را از ذهن دیگران بیرون می‌کند. قرآن کریم با تشویقی شایسته از عاملان به گفتار می‌فرماید: «وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا، مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَ عَمَلَ صَالِحًا وَ قَالَ إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ» (فصلت/۳۳): چه کس نیکو گفتارتر از کسی است که (مردمان را) به سوی خدا خواند و خود کار نیکو کرد و گفت من از مسلمانانم؟

درآیه‌ای دیگر قرآن کریم با تأکید بر ضرورت عملگرایی افراد و عمل به گفتار با لحنی عتاب‌آلود خطاب به مبلغان بی عمل این گونه می‌فرماید: «اتْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ» (بقره/۴۴): آیا مردم را به نیکی فرمان می‌دهید و خود را فراموش می‌کنید؟

امام صادق (علیه السلام) نیز در ضرورت عملگرایی و تأثیر آن بر ایجاد رغبت بر دیگران این گونه می‌فرماید: «كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِأَعْمَالِكُمْ وَ لَا تَكُونُوا دُعَاةَ بِأَلْسِنَتِكُمْ» (حمیری، بی تا: ۳۷): با کردار خویش فراخوان مردم (به اسلام) باشید نه اینکه (تنها) با زبانتان آنها را فرا خوانید.

بدون تردید از عوامل عمده موفقیت پیامبر (صلی الله علیه وآله) و امامان (علیهم السلام) در نشر مکتب اسلام، رفتار عملی آنها بوده است. «خُلِقَ عَظِيمُ نَبِيٍّ» تأثیری اساسی در جذب دل‌های آماده به سوی مکتب داشت: «وَ إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ» (قلم/۴): و تو بر اخلاق عظیم و برجسته ای هستی. این رفتار بود که دشمنان کینه توز را به دوستان صمیمی و دوستان را عاشق بیقرار حضرت تبدیل می‌ساخت. رفتار مردمی حضرت، تواضع آن جناب، احترام و محبت حضرت به همگان بویژه کودکان، امتیاز ویژه برای خود قائل نبودن، رفتار انسانی با خانواده، زهد و پارسایی، استقامت و... جلوه‌هایی از رفتار عالی این معجزه بزرگ اخلاق است. آری آن کسی که بعثت برای آن است که فضائل اخلاقی را تکمیل کند، خود باید در قله اخلاق نشسته باشد و این چنین بود که دل‌ها را کانون محبت خود ساخت و میلیون‌ها دل را از این رهگذر با خدا آشتی داد.

امام علی (علیه السلام) با اشاره به نقش مهم عملگرایی در دستیابی به اهداف مورد نظر این گونه می‌فرماید: «الدَّاعِي بِلَا عَمَلٍ كَالرَّامِي بِلَا وَتَرٍ» (نهج البلاغه، حکمت ۳۳۷: ۵۰۶) دعوت کننده بی عمل، چون تیر انداز بدون کمان است. آن حضرت در جای دیگر می‌فرماید: «وَ مَنْ لَمْ يَخْتَلِفْ سِرَّهُ وَ عَلَانِيَتَهُ وَ فِعْلُهُ وَ مَقَالَتَهُ فَقَدْ أَدَّى الْأَمَانَةَ وَ أَخْلَصَ الْعِبَادَةَ» (نهج البلاغه، نامه ۲۶: ۳۶۰): کسی که نهان و آشکارش و گفتار و کردارش یکی باشد، امانت خدا را ادا کرده در عبادتش اخلاص ورزیده است.

وقتی فرد دید که مسئول به آنچه می‌گوید خود عمل می‌کند و بین عمل و گفتار او تطابق وجود دارد در روحیه و کارکرد او تأثیر گذار است. آن‌گاه که فرمانده، مدیر و مسئول، دیگران را به رعایت اخلاق پاسداری فرا می‌خواند و خود نیز در عمل به گفته‌های خود جامه عمل می‌پوشاند، این در تقویت گرایشهای اخلاقی فرد تأثیر گذار است و باعث ایجاد میل و رغبت در او می‌شود. مردم، وقتی از عالمان پیروی کنند، بیشتر به عملشان نگاه می‌کنند تا به گفتارشان. عالم وقتی به علمش عمل کند با سکوتش درس می‌دهد در حالی که عالم بی عمل سخنش بی‌تأثیر و بدون منفعت است و چه بسا خسران هم به بار می‌آورد. امام صادق (علیه السلام) عالم بودن عالمان بی‌عمل را نفی می‌کند و می‌فرماید: «مَنْ لَمْ يُصَدِّقْ فِعْلُهُ قَوْلَهُ فَلَيْسَ بِعَالِمٍ (مجلسی، بی‌تا، ج ۲: ۵۹): کسی که عملش سخنش را تصدیق نکند، عالم نیست و چنین کسانی قطعاً هدایتگر دیگران نیز نخواهند بود و این‌گونه باعث می‌شود که افرادی را هم از اخلاق و اخلاق مداری فراری دهند.

بر این اساس، عملگرایی آمران به اخلاق در افزایش گرایشهای اخلاقی نقشی مهم و بی‌بدیل ایفا می‌کند و در زبان روایات بهترین شیوه تبلیغ دین، عمل به گفتار است؛ لذا امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي وَاللَّهِ مَا أَحْتُكُمُ عَلَى طَاعَةِ إِلَّا وَ أَسْبِقُكُمْ إِلَيْهَا وَ لَا أَنهَاكُمُ عَنْ مَعْصِيَةِ إِلَّا وَ أَتَاهِي قَبْلَكُمْ عَنْهَا (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۵: ۲۵۰): ای مردم به خدا سوگند شما را به هیچ طاعتی تشویق نمی‌کنم مگر اینکه قبلاً خودم آن را انجام می‌دهم و از هیچ کار خلافی شما را باز نمی‌دارم مگر اینکه پیش از شما از آن دوری می‌کنم.

تأکیدات صریح مقام معظم رهبری خطاب به فرماندهان و مسئولان در گسترش معنویت و تعبیر آن به سرزیر شدن از قله به بدنه مجموعه سپاه خود تأکیدی بر همین امر است: شما می‌توانید این معنویت را مثل آبخاری در پادگان و در مجموعه خودتان بریزید. از شما باید سرریز شود ... باید از قله بجوشد و پایین بیاید ... شما باید معنویت را بجوشید تا از شما سرریز و لبریز شود و به دیگران بریزد و دیگران فیض ببرند. اگر این کار را کردید سپاه ساخته و کامل خواهد شد (بیانات در دیدار با فرماندهان سپاه به تاریخ ۱۳۷۷/۱۲/۱۸).

ایشان در بیانی دیگر این‌گونه می‌فرمایند: شما قله‌اید، رؤسا هستید، از شما می‌جوشد، باید بجوشد و سرریز بشود. همه چیزهای خوب و برود به بدنه. تدبیر، ایمان، توکل، عقل، تحرک، انگیزه، نشاط کار، احساس امید، اینها باید از شما همین‌طور بریزد از قله به بدنه (بیانات در دیدار با فرماندهان سپاه به تاریخ ۱۳۸۶/۱/۲۶).

بنابراین عملگرایی و عمل به گفته‌ها تأثیری شگرف و به تعبیری از بهترین راه‌ها برای تقویت و رشد اخلاقیات در پاسداری از دین خدا را فراهم می‌سازد. تأثیری که چه بسا با صرف هزینه‌های فراوان برای تقویت چنین رویکردی، امکانپذیر نباشد و شاید بتوان گفت بی دلیل نبوده است که در طول تاریخ مبلغان دین خدا و پیامبران و رسولان الهی شیوه تبلیغ عملی را به عنوان یکی از موثرترین و کوثاهترین راه‌ها در دستور کار خود قرار داده‌اند.

آنچه به عنوان زمینه‌های تقویت و رشد اخلاق پاسداری از آن یاد شد، تنها بخشی از مواردی است که وجود دارد و باید به آن توجه شود. قطعاً دلایل و زمینه‌های تقویت کننده دیگری هم هست که به مجال و فرصت بیشتری نیاز دارد و پرداختن به آنها در این مقاله نمی‌گنجد.

نتیجه گیری

زمینه‌هایی هست که باعث رشد و تقویت اخلاق پاسداری و ایجاد گرایشهای اخلاقی در فرد پاسدار می‌شود که از جمله این موارد می‌توان به یاد خدا و خداشناسی و خدامحوری، توجه به شأن و جایگاه حقیقی انسان، نگاه امانت انگارانه به کار و مسئولیت، شناخت صحیح دنیا و آخرت، ولایت محوری، جهاد با نفس، تأمین مالی، ارتباط با شهیدان و یاد کرد سیره و منش آنان، محبت و اتصال قلبی با اهل بیت (علیهم السلام)، عملگرایی و ... اشاره کرد. بنابراین برای تقویت روحیه اخلاقمدارانه در مسئولیت خطیر پاسداری ضرورت دارد، به هر کدام از این زمینه‌ها توجه، و بیش از پیش تقویت شود تا با تقویت آنها زمینه مساعدی برای ایجاد گرایشهای اخلاقی و رشد و تقویت آنها فراهم گردد.

منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه (بی تا). تصحیح صبحی صالح. قم: دار الهجرة.

آمدی، عبدالواحد (۱۳۶۶). شرح غررالحکم و دررالکلم. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

ابن مسکویه، احمد بن یعقوب (۱۳۷۱). تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق. چ پنجم، قم: بیدار.

ابن منظور، جمال الدین (۱۴۱۴ق). لسان العرب. بیروت: دارصادر.

ابن‌ابی‌الحدید، عزالدین ابوحماد (۱۳۳۷ق). شرح نهج البلاغه. تصحیح محمد ابوالفضل ابراهیم. قم: کتابخانه

مرعشی نجفی.

- احسائی، ابن ابی جمهور (۱۴۰۵ق). **عوالی اللالی**. قم: سیدالشهداء.
- انصاری، خواجه عبدالله (۱۳۷۲). **مجموعه رسائل**. تصحیح محمد سرور مولایی. تهران: توس.
- پژوهشکده تحقیقات اسلامی (۱۳۷۷). **نیروهای مسلح در وصیت نامه امام خمینی (ره)**. قم: زمزم هدایت.
- تقی زاده اکبری، علی (۱۳۸۷). **عوامل معنوی و فرهنگی دفاع مقدس**. قم: زمزم هدایت.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷). **مبادی اخلاق در قرآن**. قم: اسراء.
- حرانی، ابن شعبه (۱۴۰۴ق). **تحف العقول**. چ دوم. قم: جامعه مدرسین.
- حمیری، عبدالله بن جعفر (بی تا). **قرب الاسناد**. تهران: کتابخانه مینوی.
- حیدری نراقی، علی محمد (۱۳۹۰). **اخلاق نراقی (منتخب جامع السعادات)**. قم: نراقی.
- خاتمی، سید احمد (۱۳۷۷). **رسالت خواص**. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- خامنه‌ای، سید علی. دسترسی به نسخه الکترونیک www.leader.ir
- خدمتی، ابوطالب و دیگران (۱۳۸۲). **مدیریت علوی**. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- خمینی، روح الله (۱۳۶۱). **صحیفه نور**. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی (ره).
- خمینی، روح الله (۱۳۷۹). **ولایت فقیه**. چ دوم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی (ره).
- دشتی، محمد (۱۳۸۰). **امام علی و مدیریت اسلامی**. چ دوم. قم: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین (ع).
- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۵). **ماه مهرپرور**. چ سوم. تهران: دریا.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۹). **حکومت حکمت**. تهران: دریا.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۳۶). **لغت نامه**. تهران: دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). **مفردات فی غریب القرآن**. تحقیق صفوان عدنان. دمشق: دارالعلم.
- زمخشری، محمود (۱۴۰۷ق). **الکشاف**. چ سوم، بیروت: دارالکتاب العربی.
- صدوق، ابوجعفر محمد بن بابویه (۱۴۰۰). **امالی**. بیروت: اعلمی.
- صدوق، ابوجعفر محمد بن بابویه، (بی تا). **علل الشرایع**. قم: داوری.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق). **المیزان فی تفسیر القرآن**. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، احمد بن حسن (۱۴۰۳ق). **الاحتجاج علی اهل اللجاج**. مشهد: مرتضی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۸۵ق). **مشکاه الانوار فی غرر الانوار**. چ دوم، نجف اشرف: حیدریه.
- عمید، حسن (۱۳۶۰). **فرهنگ عمید**. چ سوم. تهران: امیرکبیر.
- غروی، محسن (۱۳۷۹). **فلسفه اخلاق**. قم: پیک جلال.
- فخر رازی، ابوعبدالله محمد بن عمر (۱۴۰۹ق). **مفاتیح الغیب**. چ سوم، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- فرامرزی قراملکی، احد؛ نوچه فلاح، رستم (۱۳۸۶). **موانع رشد اخلاق حرفه ای در سازمان ها**. تهران: مؤسسه

بشرا.

- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق). کتاب العین. قم: اسوه.
- فیومی، احمد بن محمد (۱۳۷۵). مصباح المنیر. قم: مؤسسه دارالهجره.
- قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴). الجامع لاحکام القرآن. تهران: ناصرخسرو.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۲). کافی. چ دوم، تهران: اسلامیه.
- مجلسی، محمد باقر (بی تا). بحارالانوار. تهران: اسلامیه.
- محدث نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸). مستدرک الوسائل. قم: آل البیت.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۱). بیست گفتار. چ هفتم. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۱). کلیات علوم اسلامی. چ بیست و هفتم. تهران: صدرا.
- معین، محمد (۱۳۶۰). فرهنگ فارسی. چ چهارم. تهران: امیرکبیر.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب اسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۵). اخلاق در قرآن. چ چهارم. قم: مدرسه امام علی (ع).
- میردامادی، سید محمد (۱۳۶۷). شرح بر مقامات اربعین. تهران: دانشگاه تهران.
- نراقی، ملا مهدی (بی تا). جامع السعادات. قم: اسماعیلیان.
- نگارش، حمید (۱۳۸۴). دشمن شناسی از دیدگاه امام خمینی (ره). قم: زمزم هدایت.
- ورام، ابن ابی فراس (بی تا). تنبیه الخواطر. قم: مکتبه فقیه.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی